

## بروکسل و ارزگان

در دوران حکومت آقایان کرزی و اشرف غنی دو چیز را همیشه با هم داشته‌ایم: گدایی دولت افغانستان نزد کشورهای دیگر و رویداد مکرر محاصره شدن سربازان اردوی ملی در سراسر مملکت. روزی نیست که خبر محاصره شدن و سپس در محاصره ماندن سربازان را نشنویم. گاه طالبان برای چند هفته سربازان را در محاصره نگه می‌دارند. آخرین...



قسمت دوازدهم | صفحه ۴

## سرزمین‌های درهم‌شکسته:

## جهان عرب چگونه فروپاشید؟

۱۵. مجدی المنغوش (لیبی)  
اولین انسان زنده‌یی که مجدی المنغوش پس از رسیدن به حومه‌ی غربی شهر مصراته دید، پسرچی‌ای ۸ یا ۹ ساله در حال بازی کردن با خاک بود. تمام خانه‌های اطراف خالی از سکنه بودند...



عزیزی بانک جایزه بهترین بانک خصوصی افغانستان در سال 2016 و جایزه بهترین رئیس اجرایی بانک را در نشست همکاری های کشورهای جنوب آسیا (South Asian Partnership Summit) که در ماه اکتوبر سال جاری در شهر کولمبو، سریلانکا برگزار شده بود دریافت کرد.



www.azizibank.af

1515

عزیزی بانک  
Azizi Bank

## بازگشت به ویرانه

بر اساس آن‌چه که مشاور وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان به بی‌بی‌سی گفته است، امسال نزدیک به ۸۰۰ هزار پناهجو از ایران و پاکستان به کشور بازگشته است. بر این اساس، ۳۳۰ هزار پناهجو از پاکستان و باقی آن از ایران به کشورشان بازگشته‌اند. در کشوری که از یک سو با قدرت‌یافتن طالبان و هجوم بیش از هفت‌هزار تروریست خارجی روبه‌رو است و از جهتی دیگر درگیر تنش‌های بی‌پایان سیاسی، فقر و کاهش شدید رشد اقتصادی و افزایش بیکاری مواجه است؛ بازگشت نزدیک به یک میلیون پناهجو چه پیامدهایی می‌تواند در پی داشته باشد؟ به این معنا که آیا دولت قادر به حمایت از بازگشت‌کنندگان است؟ آیا افغانستان در وضعیتی است که بتواند زمینه‌ی زندگی کمتر از یک میلیون بازگشت‌کننده را فراهم سازد؟

برای رسیدن به پاسخی نسبتاً مناسب به این پرسش‌ها، لازم است دست‌کم سه مسأله را مدنظر قرار بدهیم.

اول؛ از نظر امنیتی، پس از سال ۲۰۰۷، افغانستان در بدترین وضعیت ممکن قرار دارد. پیش از آن، شبه‌نظامیان مخالف دولت...

## وزارت دفاع: طالبان در قندوز حتا از خانواده‌های خود سپر انسانی ساختند

صفحه ۲



# 500SMS

## روزانه صرف در بدل 10 افغانی

فقط از افغان بیسیم به افغان بیسیم

برای اشتراک:

10 را به 151 ارسال نمایید



بسته‌ها	فیس	مقدار پیام	کود فعال سازی	کود غیر فعال سازی
هفته وار	20 افغانی	2000	*368*1#	*368*2#
ماهوار	50 افغانی	20000	*369*1#	*369*2#

برای لغو اشتراک: D10 را به 151 ارسال نمایید



ارتباط دهنده افغانستان  
Connecting Afghanistan

<b>یک‌شنبه</b>	
<b>۱۶ عقرب</b>	
<b>۱۳۹۵</b>	
<b>سال پنجم</b>	
<b>شماره ۱۱۸۰</b>	
<span></span>	



## یادداشت روز

# باز گشت به ویرانه

بر اساس آن‌چه که مشاور وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان به بی‌بی‌سی گفته است، امسال نزدیک به ۸۰۰هزار پناهجو از ایران و پاکستان به کشور باز گشته است. بر این اساس، ۳۳۰هزار پناهجو از پاکستان و باقی آن از ایران به کشورشان بازگشته‌اند. در کشوری که از یک‌سو با قدرت‌یافتن طالبان و هجوم بیش از هفت‌هزار تروریست خارجی روبه‌رو است و از جهتی دیگر درگیر تنش‌های بی‌پایان سیاسی، فقر و کاهش شدید رشد اقتصادی و افزایش بیکاری مواجه است؛ بازگشت نزدیک به یک میلیون پناهجو چه پیامدهایی می‌تواند در پی داشته باشد؟ به این معنا که آیا دولت قادر به حمایت از بازگشت‌کنندگان است؟ آیا افغانستان در وضعیتی است که بتواند زمینه‌ی زندگی کمتر از یک میلیون بازگشت‌کننده را فراهم سازد؟

برای رسیدن به پاسخی نسبتاً مناسب به این پرسش‌ها، لازم است دست‌کم سه مسأله را مدنظر قرار بدهیم.

اول؛ از نظر امنیتی، پس از سال ۲۰۰۷، افغانستان در بدترین وضعیت ممکن قرار دارد. پیش از آن، شبه‌نظامیان مخالف دولت و شبکه‌های تروریستی قادر به اجرای عملیات کلان نظامی نبودند و نیروهای ضدتروریسم از توان بالایی برای سرکوب طالبان و القاعده برخوردار بودند. پس از آن اما وضعیت رو به وخامت گرایید. ۹ سال پس از آن، اکنون طالبان توان سقوط برخی ولایات و ولسوالی‌ها را بازیافته‌اند و شبکه‌های تروریستی بر حملات انتحاری و گروگان‌گیری‌شان افزوده‌اند و تقریباً تمامی شاهراه‌ها نامن شده است.

دوم؛ هم‌زمان با رشد ناامنی، حکومت وحدت ملی از درون انتخابات پرجنجالی بیرون شد که بیش از پیش بر تنش‌های سیاسی افزود. ساختار دولت به‌دلیل همین تنش‌ها آسیب دید و تقابل سیاسی–جناحی صورت عریان‌تر و صریح‌تری گرفت. حکومت وحدت ملی پس از یک سال توانست اعضای کابینه‌اش را تکمیل کند. گاهی کشمکش بر سر عزل‌ونصب وزرا و مقامات ارشد حکومتی، زمان زیادی هر دو طرف حکومت وحدت ملی را درگیر می‌کرد. در آخرین مورد، تعیین نادر نادری به‌عنوان رییس کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی، منجر افزایش تنش میان ریاست‌جمهوری و ریاست اجرائیه شد و تا هنوز این اداره از سوی سرپرست آن اداره می‌شود. استمرار این وضعیت سبب سرخوردگی و استیصال شهروندان شد.

سوم؛ عوامل اصلی فقر شدید اقتصادی، خروج سرمایه از کشور، خروج بخش بزرگ نیروهای ناتو و بسته شدن نهادهای بین‌المللی و مواردی مانند آن بود. رقم دقیق بیکاران در کشور مشخص نیست؛ اما دست‌کم بر مبنای نرخ بیکاری، بیش از سه‌ونیم میلیون نفر بیکارند. اشتغال‌زایی به پایین‌ترین سطح خود در چهارده سال اخیر قرار دارد و به‌دلیل مشکلات امنیتی و تیره‌گی چشم‌انداز سیاسی آینده، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی سیر نزولی داشته است.

در نتیجه: ۱– به‌دلیل همین مشکلات، بسیاری از شهروندان به صف پناهجویان پیوستند و افغانستان از این نظر، سومین کشوری است که بیشترین پناهجویان را دارد. در دو سال گذشته، دست‌کم ۱۲۰هزار نفر از کشور آواره شده‌اند. ۲– فقر افزایش یافته است و سطح زندگی مردم به‌صورت چشم‌گیری پایین آمده است. درآمد شهروندان دارای کار نیز در مقایسه با سال‌های گذشته تنزل یافته و میزان نارضایتی عمومی زیاد شده است. ۳– بیش از یک میلیون نفر در اثر افزایش ناامنی‌ها و سقوط ولسوالی‌ها و ولایاتی مانند قندز، در صف آوارگان داخلی قرار گرفته است. ۴– حکومت ناتوان از مدیریت سالم بحران است و حتا در رهبری جنگ در برابر طالبان بنابر گزارش‌های فرماندهان نیروهای بین‌المللی، ضعیف شده است. با توجه به وضعیت موجود، به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک وضعیت بهبود یابد.

در چنین وضعیتی، ممکن نیست که دولت توان پذیرایی از ۸۰۰هزار مهاجر را داشته باشد. آن‌ها با مشکلات بزرگی مانند بی‌خانمانی و ابتلا به فقر شدید اقتصادی روبه‌رویند. ورود این اندازه مهاجر با توجه به فقر و ناامنی در کشور، بر وضعیت عمومی نیز تأثیر منفی می‌گذارد. در درازمدت، وجود فقر شدید و بیکاری می‌تواند به افزایش ناامنی، بزهکاری و فراگیر شدن نارضایتی عمومی از دولت بینجامد. البته بازگشت پناهجویان به کشور، بیشتر از سرناگزیری است. ایران و پاکستان پناهجویان افغان را در وضعیت بدی قرار داده‌اند. در پاکستان با آن‌ها برخورد ناسالم می‌شود و تحت فشار گذاشته می‌شوند که به کشورشان بازگردند. قرار است بر اساس تفاهم‌نامه‌ی حکومت با اتحادیه‌ی اروپا، یک بخش از پناهجویان از اروپا نیز به افغانستان بازگردند. با توجه به این‌که حکومت قادر به تسلط بر بحران کنونی نیست، می‌توان تصور کرد که بازگشت‌کنندگان با سرنوشت غمباری مواجه خواهند شد.

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی می‌گوید که رهبران طالبان در درگیری اخیر در منطقه‌ی بوز قندهاری ولایت قندوز، حتا از خانواده‌های خودشان نیز به‌عنوان سپر انسانی استفاده کردند و در میان کشته شده‌های حمله‌ی هوایی، چندین عضو خانواده‌های رهبران طالبان شامل‌اند.

دولت وزیر، سخن‌گوی وزارت دفاع ملی دیروز در نشست خبری در کابل همچنان گفت که هدف عملیات چهارشنبه‌شب هفته‌ی گذشته در منطقه‌ی بوز قندهاری سران ارشد گروه طالبان بود.

آقای وزیر گفت که براساس گزارش‌های اطلاعاتی، سران ارشد گروه طالبان در این منطقه تجمع کرده بودند. به گفته‌ی او، فرماندهان ارشد طالبان یک نشست بزرگ را در این محل دایر و تمام فرماندهانی که باعث نا آرامی قندوز می‌شوند و جنگ قندوز را رهبری می‌کنند در این جلسه شرکت دارند.

سخن‌گوی وزارت دفاع ملی در مورد استفاده‌ی طالبان از غیرنظامیان و حتا اعضای خانواده‌های‌شان به‌عنوان سپر انسانی گفت: «وقتی به ما یک گزارش رسید که قوماندان‌های طالبان در منطقه‌ی بوز قندهاری تجمع کرده‌اند و پلان سقوط دوباره‌ی شهر قندوز را دارند ما نیروهای خود را به محل فرستادیم ولی طالبان از خود مقاومت بسیار شدید نشان دادند. طالبان حتا از خانواده‌های خود در نبردهای کنونی بازی می‌کنند.

این گزارش روز جمعه منتشر شد و این کارشناسان از قول چندین مقام ارشد که از آن‌ها نام گرفته نشده، نوشته‌اند که «این نقش پردازان بد… متقابلاً همدیگر را تقویت کرده و یک چالش تروریستی چشمگیر و فزاینده را نه‌تنها برای این کشور بلکه همچنان برای جامعه‌ی بین‌المللی به‌وجود می‌آورند.»

به گفته‌ی این کارشناسان، از زمانی‌که ملا اختر منصور رهبری طالبان را به عهده گرفت، روابط این گروه با شبکه‌ی القاعده نزدیک‌تر شد و بعد از مرگ وی، ملا هبت‌الله آخوندزاده نیز روابطشان با گروه القاعده را حفظ کرده است.

این گزارش که براساس گفته‌های حکومت افغانستان و همچنان چندین کشور دیگر تهیه شده، چندین کشور به این کارشناسان گفته‌اند که جنگجویان القاعده «به‌حیث آمران متخصص برای گروه‌های طالبان عمل می‌کنند، به‌ویژه در قسمت آنچه متعلق به بخش وسایل انفجار از دور می‌باشد.»

# وزارت دفاع: طالبان در قندوز

# حتا از خانواده‌های خود سپر انسانی ساختند

ولایت قندوز را به‌طور جدی مورد تحقیق و بررسی قرار داده و نتیجه‌ی آن را به‌صورت شفاف به مردم ابلاغ کنند. کمیسیون مستقل حقوق بشر همچنان این رویداد را محکوم کرده و از دولت افغانستان و نیروهای بین‌المللی خواسته که عاملان این رویداد در صورتی که قوانین جنگ را به‌طور عمدی نقض کرده باشند، مورد پیگرد عدلی قرار گیرند.

این کمیسیون با نشر اعلامیه‌یی می‌گوید اطلاعات این نهاد نشان می‌دهد که پس از درگیری نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای مأموریت حمایت قاطع با مخالفان مسلح در منطقه‌ی «بوز قندهاری» در حومه‌ی شهر قندوز، «این منطقه توسط نیروهای آمریکایی ساعت ۱ بجه‌ی شب مورد بمباردمان هوایی قرار گرفت که در نتیجه ۳۵ تن از افراد ملکی که تعدادی از آن‌ها کودک و زنان نیز می‌باشند، کشته شده و به تعداد ۲۹ تن دیگر که ۱۲ نفر آن‌ها کودک می‌باشند، مجروح گردیدند.»

کمیسیون با ابراز نگرانی از کشتار افراد ملکی، از تمامی طرف‌های درگیر خواسته است تا در جریان منازعات مسلحانه، از افراد ملکی حفاظت نموده و به جان و اموال غیرنظامیان آسیب وارد نکنند.

در این اعلامیه کمیسیون مستقل حقوق بشر از مخالفان مسلح دولت خواسته تا در جریان منازعات مسلحانه از افراد ملکی به‌عنوان سپر انسانی استفاده نکنند.

## سازمان ملل: ۲۵ درصد از ۴۵ هزار مخالف مسلح دولت خارجی‌اند

یافته است. آنان افزوده‌اند که «قدرت این گروه برای گرفتن و نگاه داشتن مناطق نیز در اثر جنگ با جنگجویان طالبان و رقابت بر سر نفوذ محلی و به‌ویژه منابع تمویل و قوای بشری کمتر گردیده است.»

این کارشناسان گفته‌اند که چندین کشور به تیم آن‌ها گزارش داده‌اند که شمار جنگجویان داعش در شرق افغانستان از تخمین ۳۵۰۰ نفر به ۱۶۰۰ نفر پائین آمده است که از جمله ۷۰۰ تن آن خارجیان هستند.

در همین حال دولت وزیری، سخن‌گوی وزارت دفاع ملی افغانستان در ارتباط به این گزارش روز شنبه در نشست خبری در کابل گفت که شمار مخالفان مسلح دولت افغانستان در فصل‌های مختلف سال متفاوت است.

آقای وزیری همچنان گفت که شمار جنگجویان از کشورهای خارجی به تشویق استخبارات منطفه وارد افغانستان می‌شوند و علیه مردم و دولت افغانستان می‌جنگند.

وزیری گفت اگر از ۱۰ هزار مدرسه که در خارج از افغانستان موقعیت دارند و تروریست تربیه می‌کنند هر ماه یک تروریست وارد افغانستان شوند، ۱۰ هزار نفر می‌شوند. او افزود که در فصل‌های گرم سال شمار مخالفان مسلح در افغانستان افزایش و در فصل‌های سرد شمار آن‌ها کم می‌شوند. به گفته‌ی او، تعدادی از آنان در فصل زمستان به خانه‌های‌شان که در خارج از مرز افغانستان موقعیت دارند، می‌روند و همچنان تربیه‌ی هراس‌انگنی می‌بینند.

## وزارت دفاع امریکا کشته شدن رهبر ارشد القاعده در افغانستان را تایید کرد

نشده است.

قحطانی از سال ۲۰۰۹ به بعد در افغانستان فعالیت داشته و از اواسط سال ۲۰۱۰ رهبری واحد نظامی القاعده در افغانستان را به عهده داشته است. الاوتابی، معاون قحطانی نیز دومین یا سومین رهبر القاعده در افغانستان خوانده شده است.

## تکرار فاجعه در غور؛ شش غیر نظامی ربوده شدند

داد عملیات نظامی که در شهر فیروزکوه به هدف پاکسازی هراس‌افگنان راهاندازی شده تا نابودی آنان ادامه می‌یابد. آقای غنی تأکید کرده که بدون اجازه‌ی خودش این عملیات متوقف نمی‌شود.

آقای غنی به مردم غور گفته: «ضمن این‌که ما از این بابت سوگواریم، اما عزم و اراده‌ی مستحکم جهت گرفتن انتقام خون شهدا را نیز داریم و دولت در این راستا تصمیم گرفته و به آن عمل می‌کند. امروز اشک کودک غوری اشک کودک من است و صدای زن بیوه‌ی غور صدای زنان افغانستان است.» رویداد پنجم عقرب و دیروز در روستایی «کاسی» رخ داده. یکی از بزرگان محلی غور در دیدار با رییس‌جمهور گفته است که در آخرین مورد به تعداد ۵۶۱۳ رأس گوسفند مردم نیز توسط گروه‌های مسلح به سرقت برده شده‌است. او افزوده بود که مردم روستایی «کاسی» تمام اموال و دارایی خود را از دست داده‌اند و نیاز به توجه رییس‌جمهور دارند.

خود هم به‌عنوان سپر انسانی استفاده کردند و تنها از ملا ضیاءالرحمان متقی یکی از قوماندان‌های طالبان در این‌جا هفت عضو خانواده‌اش کشته شده است که ما حتا به آن‌ها هم جگرخون هستیم ولی لعنت بر این دشمنان ما که به فامیل‌های خود هم رحم نمی‌کنند.»

وزیری افزود که امنیت ملی به گفت‌وگوهای تلفنی طالبان دست یافته است که رهبران طالبان در آن از اعضای این گروه می‌خواهند تا با بردن جسد‌های قربانیان به شهر قندوز احساسات مردم را بر ضد نیروهای امنیتی برانگیزند.

آقای وزیری همچنان گفت که در این عملیات ملامصطفی، ملامتقی، قاری جمال، قاری بلال، ملا محمدیار و ملا منصور از فرماندهان گروه طالبان کشته و ملاضمیر، ملا صلاح‌الدین و دو عضو ارشد این گروه نیز بازداشت شده‌اند.

به گفته‌ی سخن‌گوی وزارت دفاع ملی، طالبان مسئول کشتار غیر نظامیان بوده و از آنان به‌عنوان سپر انسانی استفاده کرده‌اند.

**کمیسیون مستقل حقوق بشر: کشته شدن غیرنظامیان در قندوز باید به‌صورت جدی بررسی شود**

در همین حال کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از مقام‌های دولت افغانستان و نیروهای بین‌المللی خواسته است که کشته شدن غیرنظامیان از اثر حمله‌ی هوایی در

گروه طالبان پس از آن که توسط حمله‌ی نظامی ایالات متحده‌ی امریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان از قدرت کنار زده شدند، در تمامی این سال‌ها کوشیده‌اند که دولت کابل را سرتگون کند. در دو سال اخیر و به‌ویژه در ماه‌های اخیر این گروه حملاتش را در سرتاسر افغانستان شدت داده است.

**تضعیف گروه داعش در افغانستان**

از سوی دیگر یافته‌های کارشناسان سازمان ملل متحد نشان می‌دهد گروهی مسموم به دولت اسلامی (داعش) در افغانستان «دقیقاً ضعیف شده است.»

این گروه کارشناسان ملل متحد که مسئول نظارت تحریم‌ها علیه گروه القاعده و طالبان می‌باشند، به شورای امنیت سازمان ملل گفته‌اند که دولت اسلامی (داعش) اکثر مناطق تحت تصرف‌اش را در افغانستان از دست داده و جنگجویان این گروه نیز کاهش یافته است.

آن‌ها می‌افزایند که «با این‌هم، آن‌ها (داعشیان) به‌حیث یک چالش جدی باقی می‌مانند.»

داعش در اوج نفوذش در سال ۲۰۱۵ میلادی نه ولسوالی را در ولایت ننگرهار کنترل می‌کرد، اما در حال حاضر نفوذش کاهش یافته است و حد اکثر سه‌ونیم ولسوالی را در اختیار دارد.

به نقل از دویچه وله، کارشناسان در این گزارش گفته‌اند که شمار جنگجویان داعش در اثر عملیات نظامی دولت افغانستان و حملات هوائی نیروهای بین‌المللی کاهش

ولایت کنر افغانستان انجام شده است.

کوک گفته است: «این حمله‌ی موقفانه نمونه‌یی دیگر از عملیات‌های امریکا برای از بین بردن تروریست‌های بین‌المللی است.»

او هم چنان ادعا دارد که بلال الاوتابی، معاون قحطانی نیز از سوی نیروهای امریکایی در افغانستان در یک حمله‌ی جداگانه هدف قرار گرفته اما نتیجه‌ی آن تا هنوز مشخص

ولی تحقیقات در این مورد آغاز شده است.

عبدالحی خطیبی، سخن‌گوی والی غور گفته است این رویداد روز جمعه زمانی که رییس‌جمهور سرگرم دیدار با مردم بود، رخ داده است.

آقای خطیبی، افزوده که افراد داعش به‌رهبری شخصی به‌نام رحمت‌الله این افراد را ربوده‌اند.

از سوی دیگر سخن‌گوی والی غور گفته است که این افراد ۵۰۰ رأس گوسفند را نیز دزدیده‌اند.

در پنجم همین ماه افراد مسلح غیرمسئولی که به گفته‌ی مقام‌های محلی پیش از این عضویت گروه طالبان را داشتند و اکنون خود را اعضای گروه داعش می‌خوانند دست‌کم ۲۷ تن از دهقانان، چوپان‌ها و افراد ملکی را که در دشت مصروف کار بودند با خود برده و شب‌هنگام آنان را تیرباران کردند.

رییس‌جمهور غنی روز جمعه به‌خاطر غم‌شریکی با خانواده‌های قربانیان به غور رفت. آقای غنی به مردم غور وعده

# خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

## واکنش‌ها به تلف شدن غیر نظامیان

### در قندوز

نیروهای ویژه اردوی ملی چهارشنبه شب هفته‌ی گذشته در قندوز عملیاتی را انجام دادند که در آن دست‌کم سی غیر نظامی کشته شدند. کشته‌شدن غیر نظامیان هر چند که اتفاق غیر معمول و تازه‌یی نیست، اما واکنش‌های بسیاری را در پی داشت. این واکنش‌ها عبارت‌اند از:

وزارت دفاع ملی: ما اطلاعات حاصل کردیم که سران طالبان در منطقه‌ی بوز قندهاری تجمع دارند. این سران، زیاد ارشد بودند و در کمتر از دو سال اخیر، دوبار قندوز را سقوط دادند. بناءً تصمیم گرفتیم به آن‌ها حمله کنیم. حمله کردیم زمینی، نزدیک بود شکست بخوریم، کمک هوایی طلب شد، فرستادیم. وقتی از طریق هوا زدیم، چند مولوی و آخذ بلندپایه‌ی طالبان را کشتیم. متأسفانه در آن غیر نظامیان نیز تلفات دادند. یک مقام تقریباً سخن‌گوی وزارت دفاع ملی گفت که متأسفانه جای غیر نظامیان همیشه و در همه‌جا خالی است، حتی در اطلاعات استخباراتی.

مقام ولایت قندوز: منطقه‌ی بوز قندهاری نزدیک پل آلچین است. پل آلچین پلی است که ما یک روز به مردم قندوز و به حکومت مرکزی قول داده بودیم هیچ اتفاقی برایش نیافتد، اما بعد از ظهر همان روز بمب‌گذاری و منفجر شد. پالیسی مقام ولایت قندوز این است که تلفات غیر نظامی را به حداقل برساند و ما افتخار می‌کنیم که در انفجار پل آلچین، به هیچ کسی آسیب نرسید. حتی یک بزرگم کشته نشد.

ریاست اجراییه: ما خواهان توقف خون‌ریزی میان مسلمانان هستیم. از حوثی‌های یمن خواهش می‌کنیم دست از ظلم بردارند و اجازه بدهند عربستان آن‌ها را تا آخرین کودک بمباران کند. کعبه‌ی شریف که در مکه مکرمه واقع است، قبله‌ی تمام مسلمانان جهان است و اهانت به مکه، برای افغان‌ها غیر قابل تحمل خواهد بود. باز نگویید که نگفته بودید. در همین حال، ما طالبان را همواره (ایتو نشده که خدای نکرده کدام سنگتی رخ داده باشد) با شدیدترین الفاظ تقیب کردیم، چه زمانی که در کابل انتحاری می‌کنند، چه زمانی که از مردم به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کنند. خدای جزای‌شانه بته!

ریاست جمهوری: رییس‌جمهور محمد اشرف غنی، در تماسی مملو از اندوه، کشته‌شدن غیر نظامیان را به کافه‌ی ملت افغانستان تسلیت عرض نمود و گفت که درد غیر نظامیان، درد تمام مردم افغانستان است. من از نگاه قانونی و از نگاه شرعی می‌فهمم که پیام‌تان برای گرفتن انتقام از جنایت‌کاران چیست. اما چاره چه؟ میان نگاه شرعی به مسایل و عملکرد سیاسی همیشه زمین تا آسمان تفاوت است.

وی از مردم خواست که به‌لحاظ شرعی و قانونی این درد را تحمل کنند. وی سپس در ستایش از توانایی‌های مردم گفت: چه کسی می‌گوید این مردم دلیر تحمل ندارند؟ هر که می‌گوید خدا لعنتش کند، به من معرفی کنید که شخصاً این قضیه را پیگیری کنم.

قوماندانی عمومی قوت‌های خارجی: طالبان از راه نظامی‌گری پیروز نخواهند شد. ما بارها گفته‌ایم که نیروهای امنیتی افغانستان اراده‌ی قاطع دارند. طالبان اگر قصد دارند پیروز شوند، باید راه‌های دیگر را جست‌وجو کنند. ما به‌لحاظ قانونی نمی‌توانیم به آن‌ها مشوره بدهیم که از چه راهی می‌توانند پیروز شوند، اما همین قدر می‌گوییم که از راه نظامی پیروز نخواهند شد. چرا که در زبان انگلیسی این‌طور یک کلمه یا عبارت وجود ندارد که اراده‌ی قاطع نیروهای امنیتی را توصیف بتواند. اما فعلاً این عبارت را می‌گوییم:

**They are good, thank you. What about you?**

شماری از فعالین مدنی: کشته‌شدن غیر نظامیان در قندوز یک بار دیگر ثابت ساخت که افغانستان در شرایط خوبی قرار ندارد. ما از حکومت خواهان راه‌حل بهتر هستیم، این راه‌حل جواب‌گوی نیازمندی‌های ما نیست.

شورای امنیت ملی: طالبان یک بار دیگر ثابت ساختند که توانایی مقابله با نیروهای شجاع امنیتی افغانستان را ندارند. خواهش ما از مردم افغانستان این است که کجای کار طالبان اسلامی است؟ به حول و قوه‌ی الهی، هر روز که می‌گذرد، طالبان بیشتر ثابت می‌سازند که آن‌ها به دین اسلام که منبع حیات و سعادت دنیوی و اخروی است، پای‌بند نیستند. مردم افغانستان همیشه به دین مبین اسلام پای‌بند بوده. ما نیز معتقدیم که نیکوترین بنده نزد خداوند (ج)، کسی است که از هر لحاظ خوب باشد. ما به هیچ‌وجه باور نداریم که طالبان نزد خداوند جایگاهی داشته باشند، هیچ شک نیست که آخرت‌شان نیز مثل دنیایشان در شورش‌گری و تروریسم سپری شود.

قدرت‌الله احمدی

# آیا موج دوم بی‌ثباتی‌های سیاسی در راه است؟



دولت به نیازهای نوظهور و مطالبات مردم می‌تواند فرصت مناسبی را برای عرض اندام گروه‌های چالش‌گر فراهم آورد. البته باید توجه داشت که وجود گروه‌های متعدد سیاسی در شرایطی که قاعده‌ی مشخص برای فعالیت‌های سیاسی وجود داشته باشد و قواعد بازی هم از سوی گروه‌ها رعایت شود، برای ثبات سیاسی در یک کشور خطرناک نیست، بلکه گروه‌های چالش‌گر زمانی تبدیل به عامل بی‌ثباتی سیاسی می‌شود که قاعده‌ی مشخص برای فعالیت‌های سیاسی وجود نداشته باشد و میکانیزم دست‌یابی به قدرت و توزیع امتیازات به‌شکل نامشروع انجام شود.

افغانستان از این لحاظ بستر مناسبی برای گروه‌های چالش‌گر می‌باشد. وجود گروه‌های متعدد سیاسی با خواستگاه‌های متفاوت اجتماعی و مطالبات گوناگون، یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی‌های سیاسی بوده است. ضعف در نظام سیاسی و عدم ظرفیت لازم برای جذب این نیروها و تلاش مذبوحانه‌ی حاکمیت‌ها برای انحصار قدرت و ثروت، گروه‌های متفاوت را تبدیل به عوامل بی‌ثباتی سیاسی کرده که در هر فرصتی ممکن است بخش از جامعه را بسیج کرده و کلیت نظام را از حرکت باز بدارند. این وضعیت در دوره‌های مختلف در افغانستان وجود داشته است و پس از حکومت کمونیستی که افغانستان همواره در معرض بی‌ثباتی‌های سیاسی بوده است، این وضعیت به اوج خود رسیده است.

شرایط حاضر نیز به گونه‌ی رقم خورده است که گروه‌های متعدد سیاسی در جامعه هر کدام به یک عامل بی‌ثباتی سیاسی در کشور تبدیل شوند. موج گسترده‌ی ناراضی در میان نخبگان سیاسی، شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی مختلف، نیازهای نوظهور و خواست‌های شتابان مردم در یک سو و تلاش حکومت برای انحصار قدرت و به حاشیه کشاندن گروه‌های قومی و احزاب سیاسی وابسته به آن‌ها، ثبات سیاسی کشور را عملاً به بن‌بست کشانده است.

۳- سابقه‌ی نبردهای مسلحانه: سابقه‌ی نبردهای مسلحانه در یک کشور انگیزه‌های روانی جنگ در میان مردم را بالا می‌برد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهند کشورهایی که سابقه‌ی نبردهای مسلحانه را دارند بیش از دیگر کشورها گرفتار بی‌ثباتی‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی گردیده‌اند. نظریه‌پردازان عمدتاً بر این نکته تأکید دارند که نبردهای مسلحانه با اثرگذاری روی روحیات مردم، عقده‌هایی را در میان گروه‌های درگیر ایجاد می‌کند که فراموشی آن به سال‌ها زمان نیاز دارد. در صورتی که شرایط برای یک جنگ دیگر در جامعه فراهم شود، زخم‌های پوشیده و عقده‌های فروخورده ممکن است دوباره سرباز کنند و به‌مثابه‌ی یک محرک جدید در جامعه عمل کنند.

افغانستان که سال‌ها جنگ داخلی و منازعات سنگین گروهی را تجربه کرده است، از این لحاظ بسیار آسیب‌پذیر است. عقده‌های دیرین و دشمنی‌ها و عداوت‌های گذشته هنوز از بین نرفته است. رشد قوم‌گرایی مفرط، جنگ تبلیغاتی و روانی جاری در کشور نشانه‌های واضح از وجود انگیزه‌های کافی برای جنگ‌های واقعی است و این‌ها عقده‌های فروخورده‌ی بی‌ثباتی‌ها هستند که هر زمان می‌توانند فعال شوند.

۴- مداخلات خارجی: نقش مداخلات خارجی در ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در کشورها همواره مهم و برجسته بوده است. مطالعات زیاد در این مورد صورت گرفته است و این مطالعات نشان می‌دهند که عامل خارجی به‌گونه‌ی یک دست در کشورها عمل نمی‌کند. مطالعات نشان می‌دهند که مداخله‌ی خارجی در بسیاری از... ادامه در صفحه ۸

و درگیر جنگ و منازعه باقی مانده است. ثبات نسبی‌ی که در طول یک‌ونیم دهه‌ی گذشته به لطف حمایت‌های خارجی در کشور شکل گرفته بود، دوباره کم‌کم از بین می‌رود و دینامیک‌های جنگ داخلی و بی‌ثباتی سیاسی دوباره بازتولید می‌شوند. در این جا هر یک از این محرک‌ها و زمینه‌های بی‌ثباتی سیاسی به‌شکل مختصر مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت به این پرسش کلی که «آیا موج جدیدی از بی‌ثباتی‌های سیاسی در راه است»، پاسخ گفته خواهد شد.

۱- ضعف نظام سیاسی و ضعف حاکمیت: نظام سیاسی ضعیف و عدم حاکمیت قانون از زمینه‌های اصلی جنگ و منازعه در یک کشور می‌باشد. در بسیاری از نظریه‌ها، این دو امر به‌مثابه‌ی عوامل اصلی و نه تنها زمینه‌ساز جنگ‌های داخلی مطرح می‌باشند. این بحث در دو زمینه قابل طرح است. یکی نظام سیاسی ضعیف با ساختارها و ظرفیت‌های محدود که توان جذب نیروهای سیاسی را ندارد و دیگری ضعف حاکمیت است که دولت نمی‌تواند خدمات لازم را برای شهروندان فراهم کند و قوانین را به گونه‌ی درست تطبیق کند. مطالعات تاریخی و تجربی نشان می‌دهند که احتمال وقوع جنگ داخلی در کشورهایی با نظام سیاسی ضعیف و حاکمیت لرزان و بی‌اقتدار به مراتب بیشتر است، زیرا هر دو عامل کنترل حکومت مرکزی را بر جمعیت کشور به تقلیل می‌برد و بازدارندگی نیروهای سیاسی چالش‌گر را دشوارتر می‌سازد. مثال‌های زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند آغاز و تکرار هر جنگ داخلی، به دلیل ضعف نظام سیاسی و عدم حاکمیت مقتدر بوده است.

افغانستان در طول نیم قرن گذشته که همواره در حالت نزاع و بی‌ثباتی به‌سر برده است، دارای نظام قوی، پاسخگو و قانون‌مدار نبوده است. نظام ضعیف کمونیستی، به تعقیب خود جنگ‌های داخلی دهه‌ی هفتاد را به‌وجود آورد و مجاهدین و طالبان نتوانستند، اساساً به نظام ساختارمند، قانون‌مدار و مسئول نزدیک شوند. اکنون نظام جدید نیز در وضعیت مناسبی قرار ندارد. انتقادهای انحصار قدرت، نشانه‌ی تحمل پایین نظام برای جذب نیروهای مختلف سیاسی در جامعه می‌باشد. خدمات دولتی در بدترین وضع ممکن قرار دارد، نامنی با گذشت هر روز گسترش می‌یابد و اقتصاد نیز رو به افول است. افغانستان در میان بیش از صد کشور جهان در بدترین جایگاه در میان کشورهای قانون‌شکن قرار گرفته و فساد در جامعه بیداد می‌کند.

این وضعیت عملاً کنترل دولت بر بخش عمده‌ی جمعیت در کشور را از بین برده است. شکاف میان دولت و مردم رو به افزایش است و مردم دیگر دلیلی برای حفظ نظم موجود نمی‌بینند. اگر اندک همسویی میان مردم و حکومت تاکنون باقی است به‌دلیل آن است که هنوز گزینه‌های بدیل برای وضع موجود شکل نگرفته و نیروهای سیاسی دیگر وارد عمل نشده‌اند. بدون شک این وضعیت نمی‌تواند ادامه یابد و در صورت عدم اقدام موثر و به موقع دولت، ظهور نیروهای جدید و چالشگر حتمی است.

۲- گروه‌های چالش‌گر و نیازهای نوظهور: یکی دیگر از دینامیک‌های بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور، وجود گروه‌های متعدد چالش‌گر و معارض می‌باشند. هر چه شمار این گروه‌ها بیشتر باشد، امکان جنگ و درگیری‌های سیاسی بیشتر است. تعدد گروه‌های چالش‌گر در جوامع متفرق و نامتجانس بیشتر از جوامع متجانس است. این گروه‌ها در شرایط ضعف نظام سیاسی و حاکمیت دولت بیشتر از هر وقت فرصت عمل را پیدا می‌کنند و بی‌توجهی

تحولات اخیر در کشور موجی از نگرانی‌ها را نسبت به آینده برانگیخته است. مسأله‌ی اصلی اکنون چگونگی حفظ وضعیت موجود و جلوگیری از سقوط در کام هرج‌ومرج و جنگ‌های داخلی می‌باشد. اختلاف میان سران حکومت، یارگیری‌های سیاسی و جبهه‌بندی‌های جدید در میان نیروهای سیاسی، گسترش دامنه‌ی ناامنی‌ها و موج گسترده‌ی ناراضی از حکومت در میان مردم، پرسش جدی‌یی را نسبت به موضوع ثبات سیاسی در کشور مطرح کرده است. مجموعه‌ی تحولات سیاسی و اجتماعی در طی دو سال گذشته کشور را به‌شکل ناامیدکننده‌ی، در مسیر نامینی به حرکت درآورده است. ظاهراً تمامی نشانه‌ها حاکی از آن است که کشور به‌سوی یک آشوب بزرگ سیاسی به پیش می‌رود. در حالی که در آغاز شکل‌گیری نظام جدید امیدواری‌های زیاد برای پایان نزدیک به نیم قرن جنگ و خشونت در کشور شکل گرفته بود، اکنون این امید از بین رفته است و مردم نشانه‌های جدی از ظهور موج دوم بی‌ثباتی‌های سیاسی در کشور را با تمام وجود احساس می‌کنند.

در این جا تلاش می‌شود تا دینامیک‌های جنگ داخلی و بی‌ثباتی سیاسی در کشور به بحث گرفته شود. این جا یک محرک و یا یک عامل مشخص برای ظهور جنگ و بی‌ثباتی سیاسی در کشور مطرح نیست، بلکه سلسله متغیرهای زیادی می‌توانند در بروز چنین مسأله‌ی نقش داشته باشند. طرح روش‌مند و سیستماتیک این بحث از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، با این وجود تلاش شده تا با استفاده از مفاهیم نظری و شاخص‌های معتبر برای تحلیل این موضوع استفاده شود.

### دینامیک‌های بی‌ثباتی سیاسی

جنگ‌های داخلی و بی‌ثباتی‌های سیاسی اغلب محصول نظم حاکم بر جهان پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. رقابت میان دو بلوک شرق و غرب، رهایی کشورهای تحت استعمار و گسترش موج دموکراسی‌خواهی در جهان، با گسترش جنگ‌های داخلی و فروپاشی نظم سیاسی در بسیاری از کشورها به همراه بوده است. در طول این دوران بخش عمده‌ی منازعات در جهان را منازعات داخلی تشکیل می‌دهد و شمار کشتگان و آوارگان جنگ‌های داخلی، به مراتب بیشتر از شمار قربانیان جنگ‌های رودرو میان دو کشور مستقل می‌باشند. شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و موج برخواستن از آن با اثرگذاری روی کشورهای ضعیف نقش مهمی در شکل‌دهی به منازعات و بی‌ثباتی‌های سیاسی در کشورها داشته است. البته، این به معنای آن نیست که زمینه‌های داخلی و ساختارهای اجتماعی و منحصربه‌فرد کشورها در این زمینه اثرگذار نبوده‌اند و سهمی در این بی‌ثباتی‌ها نداشته‌اند. دینامیک بی‌ثباتی سیاسی در کشورها، معمولاً ترکیبی از عوامل و زمینه‌های داخلی و عوامل بیرونی است که مجموعاً راه را برای وقوع منازعه و بی‌ثباتی سیاسی فراهم می‌آورند.

افغانستان در طول نیم قرن گذشته بیشترین تأثیر را از شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل پذیرفته است. این کشور از یک طرف کانون گرم رقابت میان دو قدرت مهم جهانی بوده است، از طرف دیگر شرایط داخلی که محصول نظام‌های ضعیف و ناکارآمد، استبداد و انحصار قدرت سیاسی و در سوی دیگر آن ساختارهای اجتماعی متکثر، مطالبات حق طلبانه، تجدیدخواهی و نوسازی بوده است، همواره بی‌ثبات، متشنج

# سرزمین‌های درهم‌شکسته: جهان عرب چگونه فروپاشید؟

■ نیویورک تایمز/اسکات اندرسون ■ ترجمه: معصومه عرفانی

قسمت دوازدهم

## فصل سوم: بهار عربی (۲۰۱۱-۲۰۱۴)



هم‌چنین او دریافت که لیست افراد محلی که به حکومت «خیانت» کرده بودند، تنها شامل دوستان قدیمی نیست، بلکه خانواده‌ی او را نیز در بر می‌گیرد. در حقیقت، بزرگ‌ترین برادر او، محمد، برای چند هفته به گروهی از خلبانان هلیکوپترهای نیروهای هوایی که خدمت را ترک کرده بودند، در خانه‌ی خودش پناه داده بود. به نظر می‌آمد که همه به انقلاب پیوسته‌اند و بعد از تمام مصیبت‌هایی که مصراة متحمل شده بود، اکنون متعهد و منتظر هستند که پایان آن را ببینند.

برای دقایقی در طول این تجمع خانوادگی، مجدی اجازه خواست تا به اتاق خواب قدیمی‌اش برود. آن‌جا تلفن ماهواره‌ی ثریا را از جیب خود درآورد و آن را در قفسه‌ی پشت یک بسته ملافه پنهان کرد. او می‌گوید: «من نمی‌دانستم چه کاری باید انجام بدهم. فقط می‌دانستم باید تلفن را مخفی کنم.»

طی هفته‌ی آینده، این فرزند مصراة در شهر ویران‌شده‌اش سرگردان بود، با دوستانش ملاقات می‌کرد و اطلاعاتی در رابطه با کسانی که در جنگ زخمی یا کشته شده بودند به‌دست می‌آورد. در طی این مدت بود که او دریافت هرچه به او در رابطه با جنگ گفته شده بود و هرچه باور داشت، دروغ بوده است. آن‌جا هیچ مجرم یا مزدور خارجی وجود نداشت، حداقل نه در میان شورشیان، بلکه فقط افرادی مانند خانواده‌ی خودش بودند که می‌خواستند دیکتاتوری را سرنگون کنند.

اما دریافت این حقیقت مجدی را در وضعیتی بسیار حساس قرار داده بود. ایوب، رابط اطلاعاتی او، بدون شک از ورودش به مصراة آگاه شده و منتظر گزارش‌ها بود. مجدی این ایده به ذهنش رسید که تلفن ثریا را دور بیندازد و به زندگی‌اش ادامه بدهد، گویا که هیچ اتفاقی نیفتاده است، اما بعد به این فکر کرد که در صورت پیروزی حکومت، این کار چه عواقبی برای خانواده‌اش خواهد داشت. یا این‌که اگر شورشیان مهره‌های جاسوس حکومت در شهر را کشف کنند و نام او در آن میان باشد چه خواهد شد؟

باتوجه به این احتمالات، این دانشجوی دانشکده‌ی نیروی هوایی به طرحی هوشمندانه‌تر و البته خطرناک‌تر رسید. در اواسط ماه می، او به شورای نظامی انقلابیون محلی رفت و حقیقت را برای همه آشکار کرد. همان‌طور که مجدی به‌خوبی می‌دانست، برای فردی که در زمان جنگ برنامه‌ی جاسوسی داشته است اما انتظار لطف و مرحمت دشمن را دارد، این قمار خوبی نیست و احتمالاً بهترین تصمیم انقلابیون، زندانی کردن یا اعدام او خواهد بود، اما باوجود این پیامدها، او این اقدام جسورانه را انجام داد.

صبح روز بعد، مجدی سرانجام با رابط اطلاعاتی‌اش تماس گرفت و قرار گذاشتند دو روز بعد در مرکز شهر در یک آپارتمان خالی از سکنه دیدار کنند. در آن ملاقات، ناگهان گروهی از کماندوهای شورشی با اسلحه وارد شدند و هر دو مرد را به زمین زدند. مجدی و ایوب پس از آن برای انتقال به زندان در اتومبیل‌های جداگانه‌ی قرار گرفتند. زمانی که شورای نظامی شورشیان اعلام کرد که «دو جاسوس رژیم» را در مصراة دستگیر کرده است، مجدی به خانه و خانواده‌اش بازگشته بود.

اگرچه طرح عملیات دستگیری به‌خوبی رفته بود، اما این احتمال وجود داشت که مهره‌های حکومتی دیگری نیز از ماموریت مجدی آگاه باشند، بنابراین رفت‌وآمد در شهر برای او خطرناک بود. او از اولین فرصتی که به دست‌آورد استفاده کرد و برای دیدار والدینش به تونس رفت.

برای مجدی که در آن زمان ۲۴ ساله بود، تفاوت‌های تونس (مدرن و صلح‌آمیز) با مصراة، یکی دیگر از مسایلی بود که او را دچار حیرت و سردرگمی می‌کرد. او گفت: «آن‌جا بسیار آرام بود، دلپذیر. آن‌قدر که مدتی طول کشید تا باور کنم حقیقی است.»

مجدی این امکان را داشت که به‌راحتی در تونس اقامت کند. بدون شک این همان چیزی بود که مادر و پدرش می‌خواستند، اما پس از چند هفته طاقشش به پایان رسیده و این حس در او رشد کرده بود که نقش خود را در جنگ کشورش به‌طور کامل ایفا نکرده است. او گفت:

«من فکر می‌کنم بخشی از آن، نوعی انتقام‌گیری بود. من با ارتش بودم، اما آن‌ها دروغ گفتند و مرا فریب دادند. و البته که جنگ هنوز به پایان نرسیده بود. مردم هنوز در حال مبارزه بودند و جان خود را از دست می‌دادند. من به والدینم گفتم که چاره‌ی دیگری ندارم. باید به خانه بازگردم.»

مجدی در بازگشت به مصراة، بلافاصله فعالیتش را با یک گروه شبه‌نظامی شورشی محلی با عنوان تیپ ذیقار، برای رفتن به مرکز نظامی قذافی در طرابلس شروع کرد. اما پیش از مستقرشدن، نیروهای دولتی در پایتخت شکست خوردند، دیکتاتور و هوادارانش به سمت ساحل به شهر سرت، خاستگاه قبیله‌ی قذافی، عقب‌نشینی کردند و در آن‌جا از پشت سر در محاصره‌ی دریا قرار گرفتند. آن‌ها ناامیدانه آخرین جبهه‌ی خود را ایجاد کردند. به‌مدت یک ماه، واحد مجدی در بزرگراه کمربندی سرت موضع گرفته و استحکامات ارتش را گلوله‌باران می‌کردند، و در جنگ‌های گاه‌به‌گاهی که سربازان به‌دام افتاده به‌راه می‌انداختند شرکت می‌کردند. مانند هر جای دیگری در جنگ لیبی، و در حقیقت، مانند بیشتر جنگ‌ها، درگیری‌ها در سرت اغلب کاری بی‌هوده و بی‌هدف بودند: لحظه‌هایی از مبارزه‌ی شدید که با آرامش و یکنواختی طولانی دنبال می‌شد. برای مجدی به‌نظر می‌رسید که قرار است این وضعیت تا ابد ادامه پیدا کند.

در عوض، این وضعیت به‌شکل ناگهانی در صبح روز ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ پایان یافت. یک درگیری شدید در بخش غربی سرت آغاز شده و پس از آن یک سری حملات هوایی جنگنده‌های ائتلاف غرب صورت گرفت. مجدی از موضع خود در بزرگراه می‌توانست شعله‌های آتش و گرد و غبار برخاسته از انفجار بمب را در سراسر شهر ببیند. در حدود ساعت ۲ عصر، رگبار پیوسته‌ی از حومه‌ی غربی آغاز شد که حدود ۲۰ دقیقه به طول انجامید، پیش از آن‌که همه‌جا در خاموش فرو برود. در ابتدا، مجدی و همراهانش فکر می‌کردند این بدان معناست که افراد قذافی تسلیم شده‌اند، اما خیلی زود خبری حتماً بهتر رسید: دیکتاتور دستگیر و کشته شده است. مجدی گفت: «همه خوشحال بودیم و همدیگر را در آغوش گرفتیم. چراکه می‌دانستیم این به معنای پایان جنگ است. بعد از آن همه کشتار، و پس از ۴۲ سال حکومت قذافی، سرانجام دوره‌ی جدیدی برای لیبی از راه رسیده بود.»

با پایان گرفتن جنگ، مجدی به مصراة بازگشت و به یک واحد شبه‌نظامی که بیشتر با شخصیت ملازم او سازگاری داشت پیوست: خدمه‌ی آمبولانسی که مجروحین جنگی با جراحت‌های شدید را از بیمارستان مصراة برای درمان پزشکی پیشرفته در خارج از کشور، به فرودگاه منتقل می‌کرد. او این کار را واقعاً دوست داشت و احساس می‌کرد شاهده‌ی بر بهبود وضعیت پس از مرگ‌ها و ویرانی‌های بسیار است، و هم‌چنین به خوش‌بینی او در رابطه با آینده نیز کمک می‌کرد.

یکی از روزهای ماه دسامبر، شخصی در فرودگاه مصراة به ملاقات مجدی آمد. او، سام الدریس، برادر بزرگ جلال بود و ۵۰۰ مایل از بنغازی به آن‌جا سفر کرده بود تا از او تقاضای کمک کند. از انقلاب لیبی بیش از دو ماه می‌گذشت، اما خانواده‌ی جلا از ماه می تاکنون هیچ خبری از او نداشتند. جلال آخرین بار از همان دبیرستان در طرابلس که دانشجویان نیروی هوایی در آن نگاه‌داری می‌شدند یک تماس تلفنی کوتاه با خانواده‌اش داشت.

آن تماس زمانی صورت گرفته بود که تنها چند روز از آغاز سفر مجدی برای ماموریت جاسوسی‌اش در مصراة می‌گذشت.

مجدی که بار دیگر مسیرش تغییر کرده بود، سفری را با سرسختی و وسواس‌گونه‌ی برای یافتن دوستش آغاز کرد. او به طرابلس بازگشت و هفته‌ها را صرف پیگیری اخبار مرتبط با همکلاسی‌های سابقش در آکادمی کرد و با کنارهم چیدن اطلاعات اندکی که به‌دست آورده بود، توانست لااقل بخشی از این معما را حل کند. در ماه می ۲۰۱۱، جلال در میان گروهی تقریباً ۵۰ نفره از دبیرستان طرابلس قرا داشت که به آن‌ها گفته شده بود قرار است برای کمک به نیروهای خط مقدم که درحال جنگ با شورشیان در مصراة هستند فرستاده شوند. وظیفه‌ی آن‌ها پیدا کردن تله‌های انفجاری به‌جا مانده و محافظت از خطوط و امکانات ارتباطی بود. اما درعوض، این گروه به‌عنوان طعمه در آن‌جا مورد استفاده قرار گرفتند، بدون هیچ محافظتی به میدان جنگی فرستاده شدند و مورد حمله و گلوله‌باری قرار گرفتند، درحالی که سربازان مورد اعتماد دولت سنگر گرفته و مسیرهای شلیک گلوله از سوی دشمن را بررسی می‌کردند. دانشجویان یکی پس از دیگری در این حمله جان می‌دادند، اما جلال و دو نفر از دیگر دوستانش موفق شده بودند خود را به مزرعه‌ی دورافتاده برسانند و از کشاورز سالخورده‌ی در آن‌جا خواهش کرده بودند آن‌ها را به جنوب و جایی دور از میدان جنگ برسانند. اما کشاورز خیانت می‌کند و آن‌ها را به نیروهای امنیتی داخلی تحویل می‌دهد که به‌نوبه‌ی خود آن‌ها را به ارتش می‌سپارند. هر سه نفر پس از آن‌که به‌شدت مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند، بار دیگر به گروه انتحاری بازگردانده شدند.

اما داستان در همین‌جا خاتمه پیدا کرد. مدتی کوتاه پس از آن، دو همراه جلال برای بار دوم فرار کردند و این بار موفقیت‌آمیز بود، اما تا آن زمان جلال به بخش دیگری از جبهه منتقل شده بود.

مجدی جست‌وجوی تازه‌ی را آغاز کرد. او در نهایت به یکی دیگر از همکلاسی‌هایش برخورد و این بار داستان کامل شد. یکی از روزهای ماه جون، درحالی‌که گروه کوچکی از دانشجویان، شامل جلال و تعداد دیگری که موفق شده بودند تا آن زمان زنده بمانند، در مزرعه‌ی در حومه‌ی جنوبی مصراة خیمه زده بودند، یکی از افسران از دانشجویان می‌خواهد برای آرایه‌ی گزارش وضعیت با او بروند. همان لحظه، یک موشک از هواپیمای جنگی ائتلاف غرب یا یک هواپیمای بدون سرنشین، خودروی این افسر را منفجر می‌کند و بلافاصله او و بیشتر دانشجویانی که در آن نزدیکی ایستاده بودند کشته می‌شوند. هنگام انفجار موشک، جلال زیر درختی حدود ۵۰ متر دورتر نشسته بوده است، اما ساچمه‌ها به سر او برخورد می‌کنند. همراهان او که زنده مانده بودند، تکه‌های ازهم‌پاشیده‌ی سر جلال را همان‌جا زیر درخت دفن می‌کنند، اما بدن او را با دیگر کشته‌شده‌ها برای انتقال به گورستانی گمنام در یک کامیون می‌گذارند.

مجدی گفت: «از رویایی که او دیده بود، من جان سالم به در بردم. بلی، ما هر دو برای جنگ به مصراة رفتیم، اما کسی که کشته شد او بود.»

برای اکثر مردم، احتمالاً جست‌وجو در همین‌جا پایان می‌یافت، اما برای مجدی این‌گونه نبود. او زمانی را به‌یاد می‌آورد که با خانواده‌ی جلال در بنغازی سپری کرده بود، مهمان‌نوازی آن‌ها را به‌یاد می‌آورد، و مصمم بود که هرطور ممکن است جنازه‌ی دوست خود را پیدا کند و آن را به خانواده‌اش برساند. پس از کوبیدن بر دروازه‌ی صاحب‌منصبان زیادی در دولت جدید، او سرانجام به قبرستانی در طرابلس هدایت شد که افراد «خان» (به‌معنای وفاداران به دولت قذافی) در آن دفن شده بودند.

آن‌جا، زمینی پوشیده از زباله و با نشان‌هایی از صدها گور بود. مجدی یکی یکی از کنار ردیف‌ها می‌گذشت، اما نام جلال در آن‌جا دیده نمی‌شد. در نهایت، او به گوشه‌ی دورافتاده در قبرستان رسید و قبری را دید که روی آن نوشته شده بود: «ناشناس». مجدی ناگهان هیجان‌زده شد و فکر کرد که احتمالاً به‌دلیل جراحت وحشتناک سر جلال، امکان شناسایی او وجود نداشته است، اما بعد متوجه شد که سه قبر دیگر نیز با همین عنوان «ناشناس» نشانه‌گذاری شده است. او به اداره‌ی قبرستان رفت، و درخواست کرد عکسی از جسد‌های ناشناس پیش از دفن به او نشان بدهند. صورت هر چهار نفر به‌شکلی وحشتناک آسیب دیده بود و قابل شناسایی نبود.

با این‌حال، مجدی اکنون متقاعد شده بود که جلال در یکی از این چهار قبر است. او خبر را به خانواده‌ی دریس رساند و چند ماه بعد برای ادای احترام به آن‌ها به بنغازی پرواز کرد. او گفت: «دیدار دشواری بود. من از آن‌ها خواهش کردم مرا ببخشند که نتوانستم از جلال محافظت کنم، اما...» او لحظه‌ی زیر فشار اندوه سکوت کرد، و بعد ادامه داد: «خب، قصه همین است. جلال در یکی از آن چهار قبر قرار دارد، این قطعی است.»

# چهلک

سخن‌سازان

## افغانستان، اکنون خود پذیرای بیشترین مهاجران افغان است

نیویارک تایمز/رادنورلد

ترجمه: علی احمدی

### بروکسل و ارزگان

در دوران حکومت آقایان کرزی و اشرف غنی دو چیز را همیشه با هم داشته‌ایم: گدایی دولت افغانستان نزد کشورهای دیگر و رویداد مکرر محاصره شدن سربازان اردوی ملی در سراسر مملکت. روزی نیست که خبر محاصره شدن و سپس در محاصره ماندن سربازان را نشنویم. گاه طالبان برای چند هفته سربازان را در محاصره نگه می‌دارند. آخرین نمونه‌اش را در فاریاب دیدیم و در ارزگان می‌بینیم. از آنسو، هر بار که دولت افغانستان به کنفرانس گدایی در کشوری می‌رود، وقتی که به اصطلاح با دست پر بر می‌گردد شیپور ظفر می‌نوازد و از این‌که چند کشور را متقاعد کرده که چند قران دیگر نیز در کاسه‌ی تکدی افغانستان بریزند در پوست خود نمی‌گنجد.

آیا شما میان آن گدایی و آن محاصره که گفتم ربطی می‌بینید؟ ربطی که من می‌بینم این است: دولت افغانستان معمولاً وقتی که دلیل می‌آورد که چرا به وضعیت سربازان محاصره شده رسیده‌گی نمی‌کند، مشکلات مالی، دشواری‌های لجستیکی و هزینه‌ی سنگین جنگ را بهانه می‌آورد. نمی‌گوید که اراده‌ی برای رهایی سربازان از محاصره‌ی طالبان ندارد. حال، اگر این استدلال دولت افغانستان را بپذیریم، می‌توانیم ربط آن گدایی و نمونه‌های مکرر محاصره شدن سربازان را ببینیم. از آن‌جا که دولت افغانستان از پولی که از کشورهای دیگر می‌گیرد، هیچ استفاده‌ی برای عرضه‌ی خدمات عمومی نمی‌کند، منطقی به این نتیجه می‌رسیم که بودجه‌ی جنگ دولت بودجه‌ی نسبتاً بزرگی است. حداقل منطقی است که فکر کنیم بودجه‌ی این دولت به مراتب بیشتر از ظرفیت مالی طالبان است. حال، سوال این است که چرا دولت نمی‌تواند پول و امکانات کافی برای حمایت از سربازان اردوی ملی اختصاص بدهد؟ علت‌اش در این‌جاست:

پولی که در کاسه‌ی تکدی دولت سرازیر می‌شود صدها خواهان و مدعی در درون دولت دارد. هر کس سهمی، و سهم بزرگی، می‌طلبد. سران دولت باید میان جان سربازان و راضی کردن سهامداران دولت یکی را انتخاب کند. چون خود سران دولت در فساد غرق‌اند، هیچ چاره‌ی ندارند که در هنگامی که خود سهم بزرگی بر می‌دارند، دهان سهامداران کوچک و بزرگ دیگر را با همان پول گدایی نبندند. بنیاد این دولت رشوه‌دهی به کسانی است که «تتهاخوری» سران دولت را بر نمی‌تابند. در نتیجه، میان پولی که در بروکسل گرفته می‌شود و سربازی که در ارزگان محاصره می‌شود، فاصله‌ی است که با فساد و دزدی سهامداران دولت نشانه‌گذاری شده. پول و امکانات هست، اما سوال این است که این پول باید به کجا برود. دولت افغانستان تصمیم گرفته است، و این تصمیم با حمایت دولت از طالبان هم سازگار است، که پول به سرباز نرسد. آخرین لنگر پول کابل است و نه غورماچ و ارزگان.

ثبت‌نام شده از سوی یوان.اچ.سی. آر برای شروع زندگی جدید پول نقد - هر عضو یک خانواده حدود ۴۰۰۰ دلار - دریافت می‌کنند.

برعکس در سال ۲۰۱۴ از ابتدا تا انتهای سال تنها ۶۷ خانوادۀ از طریق این مرکز وارد افغانستان شدند. در ماه جون وقتی رابطۀ افغانستان و پاکستان به تیرگی گرایید، کمپاین ضد مهاجران توسط مقامات پاکستانی راه اندازی شد که بسیاری از مهاجران را وادار به ترک پاکستان کرد. احمد ولی مدیر این مرکز گفت: «به نظر ما اگر این روند ادامه یابد تا ماه جولای و اگست سال آینده دیگر هیچ افغانی در پاکستان باقی نخواهد ماند.»

مهاجران می‌گویند پس از تیرگی روابط میان دو کشور در تابستان گذشته، آن‌ها از سوی پولیس و مقامات رسمی پاکستان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. شربت گل، زنی که پس از چاپ عکس‌اش بر روی جلد مجله‌ی نشنل جیوگرافیک در سال ۱۹۸۵ به «دختر افغان» معروف شد، یکی از افغان‌هایی بود که پس از دهه‌ها اقامت در پاکستان به‌طور ناگهانی با اتهام‌های مختلف دست‌گیر شد؛ روز جمعه دادگاهی در پاکستان دستور اخراج او را صادر کرد.

تقریباً هیچ‌یک از افغان‌هایی که در پاکستان زندگی می‌کنند به این باور نیستند که افغانستان محل امنی برای زندگی است. فشارهای رسمی و تبعیضات گوناگون دلایل ترک پاکستان است. براساس حقوق بین‌الملل، پاکستان متعهد شده است تا به مهاجران ثبت‌نام شده اجازه‌ی اقامت بدهد، و بسیاری از آن‌هایی که پاکستان را ترک می‌کنند، به‌طور کامل داوطلبانه -در توری- این کار را انجام می‌دهند. محمد اسماعیل رییس دفتر یوان.اچ.سی. آر در جلال‌آباد گفت: «من شخصاً فکر نمی‌کنم این برگشت‌ها داوطلبانه باشد. وقتی مورد آزار و اذیت قرار بگیری، ترسانده شوی، توسط پولیس دست‌گیر شوی، به دادگاه کشانده شوی، مجبور به پرداخت رشوه شوی، مجبوری می‌شوی [آن‌جا] را ترک کنی.»

صدیق الله ۶۶ ساله در ۱۷ سالگی پس از حمله‌ی شوروی در ۲۹ سال پیش به پاکستان رفت. او ماه گذشته با دو همسر و ۲۰ فرزندش که همگی در پاکستان متولد شده‌اند، به افغانستان برگشت. او قبل از عزیمت به جلال‌آباد برای گرفتن پول به سمرخیل آمد، او گفت: «همه‌ی آن‌ها [خانواده‌ام] در خانه‌ی جدیدشان غم‌گین و ناخرسندند. آن‌ها در آن‌جا [پاکستان] دوستانی داشتند، در آن‌جا مکتب می‌رفتند، در آن‌جا همه چیز داشتند.»

وضعیت مهاجران برگشت‌کننده‌ی بدون مدرک، که قادر به ثبت‌نام به عنوان پناهنده نشدن، بدتر است. از آن‌جایی که این افراد ثبت‌نام نشده‌اند، مستحق پرداخت نقدی یوان.اچ.سی. آر نمی‌شوند. معمولاً خانوادۀ برگشت‌کنندگان آسیب پذیر ۵۰۰ دلار و دیگر خدمات اضطراری از سوی آی.او.ام دریافت می‌کنند. این سازمان برای ادامۀ این خدمات درخواست کمک اضطراری کرده است. یوان.اچ.سی. آر هم می‌گوید که برای کمک به برگشت‌کنندگان با کمبود بودجه روبه‌روست.

در حالی که دولت افغانستان قول داده است که برای برگشت‌کنندگان زمین می‌دهد، بسیاری از مهاجران افغان کم‌تر مایل‌اند به افغانستان برگردند. خانم امراتونگا گفت: «بیش از یک میلیون نفر در حرکت‌اند. این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که زمستان می‌تواند چالشی برای مرگ و زندگی باشد و خستگی اهداکنندگان با تمام حوادثی که اتفاق می‌افتد به سراسر جهان کشیده شود.»

به بیش از ۱.۸ میلیون آوارۀ سال‌های گذشته اضافه کرده است. این یعنی بیش از ۳ میلیون مهاجر داخلی و برگشت‌کنندگان خارجی در داخل افغانستان، بیش‌تر از آنچه افغانستان تاکنون تجربه کرده است. بسیاری از آن‌ها جایی برای رفتن ندارند و چاره‌ی جز ساکن شدن در اردوگاه‌های موجود را ندارند که این امر اردوگاه‌های پرجمعیت را پرجمعیت‌تر می‌سازد.

علاوه براین برنامه‌هایی برای برگشت آن‌عده از افغان‌ها که پناهنده‌گی شان در اروپا رد شده‌اند، در ماه‌های اخیر شدت یافته‌اند. کشور ناروی امسال ۴۴۲ افغان را به افغانستان برگرداند که بیش از نیمی از آن‌ها مجبور به برگشت شدند، در صورتی که جرمنی ۲۹۰۰ افغان را به‌طور داوطلبانه به افغانستان برگرداند. در اوایل ماه اکتوبر، اتحادیه‌ی اروپا و دولت افغانستان معاهده‌ی را به امضا رساندند که بر اساس آن افغان‌هایی که درخواست پناهنده‌گی شان رد می‌شوند به افغانستان برگردانده می‌شوند.

بسیاری از برگشت‌کنندگان کسانی‌اند که سال‌ها حتماً دهه‌ها را در کشور میزبان سپری کرده‌اند، تعداد زیادی هم در همان کشورها متولد شده و حالا خود دارای فرزندند. مایا امراتونگا، رییس بخش افغانستان دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان که پیش از این در پاکستان کار می‌کرد گفت: «زمانی به این سختی را به یاد ندارم، حالا با جمعیتی سرو کار داریم که در دهه‌ی ۱۹۸۰ افغانستان را ترک کردند و با کشور خود آشنایی ندارند.»

هر روز صبح زنجیره‌ی از کامیون‌ها با باری از لوازم خانه، چوب سوخت و بچه‌های کوچک و گاهی هم حتی یکی دو راس گاو به مرکز سمرخیل در خارج شهر جلال‌آباد می‌رسند. این مرکز توسط کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان راه اندازی شده است.

هر روز حدود ۴۰۰ خانوادۀ مهاجر از طریق این مجموعه وارد افغانستان می‌شوند، همان‌طوری‌که از نام این مرکز پیداست، این‌جا جایی است که مهاجران

#### تقریباً هیچ‌یک از افغان‌هایی که در پاکستان

زندگی می‌کنند به این باور نیستند که افغانستان محل امنی برای زندگی است.

#### فشارهای رسمی و تبعیضات گوناگون

دلایل ترک پاکستان است. براساس حقوق

#### بین‌الملل، پاکستان متعهد شده است تا

به مهاجران ثبت‌نام شده اجازه‌ی اقامت

#### بدهد، و بسیاری از آن‌هایی که پاکستان را

ترک می‌کنند، به‌طور کامل داوطلبانه -در

#### توری- این کار را انجام می‌دهند. محمد

اسماعیل رییس دفتر یوان.اچ.سی. آر در

#### جلال‌آباد گفت: «من شخصاً فکر نمی‌کنم این

برگشت‌ها داوطلبانه باشد. وقتی مورد آزار

#### و اذیت قرار بگیری، ترسانده شوی، توسط

پولیس دست‌گیر شوی، به دادگاه کشانده

#### شوی، مجبور به پرداخت رشوه شوی،

مجبوری می‌شوی [آن‌جا] را ترک کنی.»

کشوری که در حال حاضر در جهان بیش‌تر از تمام کشورهای اروپایی به اضافه‌ی کشورهای جنوب آسیا، پذیرای بیش‌ترین تعداد مهاجران افغان است، خود افغانستان است.

مقام‌های کمک‌کننده انتظار دارند تا پایان امسال حدود ۱.۵ میلیون مهاجر به افغانستان برگردند. بسیاری از آن‌ها به‌شمول تعدادی که به‌صورت رسمی به‌عنوان پناهنده ثبت‌نام شده، به زور اخراج می‌شوند. عده‌ی از اروپا برگردانده می‌شوند، منطقه‌ی که به‌تازگی با افغانستان معاهده‌ی را امضا کرد که بر اساس آن ده‌ها هزار مهاجر افغان که تقاضای شان برای پناهنده‌گی رد می‌شوند به افغانستان برگردانده می‌شوند. تعدادی زیادی هم از ایران و به‌ویژه از پاکستان به زور اخراج می‌شوند. به گفته‌ی سازمان ملل متحد ۱.۳ میلیون افغان در پاکستان دارای سند پناهنده‌گی‌اند و علاوه بر این ۷۰۰ هزار نفر دیگر فاقد مدرک‌اند.

بسیاری از افغان‌ها می‌گویند که آزار و اذیت هماهنگ و اعمال تبعیض از سوی مقامات پاکستان غیر قابل تحمل شده است. پاکستان به‌طور صریح به افغان‌ها تا پانزدهم نومبر مهلت داده است تا برای خود اسناد رسمی نظیر پاسپورت و ویزه فراهم کنند -امری که برای بسیاری‌ها ناممکن است- در غیر آن‌صورت آن‌ها دست‌گیر و اخراج خواهند شد؛ موضوعی که سبب می‌شود در هفته‌های پیش‌رو تعدادی بیش‌تری پاکستان را ترک کنند.

تازه‌ترین توهین به غلام‌الله پدر ۱۰ فرزند که پسرانش در مکتب‌های پاکستانی مشغول تحصیل‌اند و یکی از آن‌ها با یک زن پاکستانی ازدواج کرده است، زمانی بود که یک سرباز پاکستانی با یک سگ وارد خانه‌اش شد. او گفت: «من برای حفظ آبرو، حرمت و دینم به پاکستان رفتم، اما در پاکستان دیگر حرمتی باقی نمانده است، ارتش پاکستان ۱۵ روز به من وقت داد تا [آن‌جا را] ترک کنم.» او حالا در اردوگاهی در نزدیک جلال‌آباد در شرق افغانستان مسکن گزیده است.

بسیاری از افغان‌ها ده‌ها سال می‌شود که خارج از افغانستان زندگی کرده‌اند و حالا به کشوری برمی‌گردند که پس از سال ۲۰۰۱ در بدترین وضعیت جنگی قرار دارد. آن‌ها همان‌طوری که بر می‌گردند، نقشه‌ی جمعیتی یک منطقه را که سال‌ها پیش توسط ساکنان آواره‌اش تعریف شده است، دوباره ترسیم می‌کنند.

لورانس هارت رییس دفتر کابل سازمان بین‌المللی مهاجرت گفت: «برگشت این‌همه [مهاجر] از پاکستان، ایران و تعداد زیادی از اروپا، وضعیت را ناگوار می‌سازد که [نیازمند] یک دستورالعمل جامع است. زیرا بر توانایی دولت برای پاسخ‌گویی فشار وارد می‌کند.» گروه‌های مددکار برای مراقبت از بسیاری از تازه‌واردان بودجه‌ی کافی در اختیار ندارند، تازه‌واردانی که برای سال‌ها در اردوگاه‌های نامناسب در اطراف شهرها زندگی کرده‌اند. آقای هارت با اشاره به بیجاشدگان داخلی گفت: «در حال حاضر در این‌جا رقابت فقر است، آسیب‌پذیری بیجاشدگان موجود به‌دلیل ورود تازه‌واردان افزایش یافته است.»

جنگ‌های گسترده با طالبان در داخل افغانستان، تعداد زیادی از مردم را مجبور به ترک خانه‌های‌شان کرده‌اند. به گفته‌ی وزارت مهاجران افغانستان، تنها در دو ماه اخیر به‌دلیل درگیری‌ها ۶۰۰ هزار نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند که ۱.۲ میلیون آوارۀ دیگر را

zaki.daryabi2@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: خلیل پژواک
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگر: الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: [hussainjoya2014@gmail.com](mailto:hussainjoya2014@gmail.com)
- [dailyetilaatroz@gmail.com](mailto:dailyetilaatroz@gmail.com)
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای متعلمین و محصلین

شش ماهه

یک ساله

شش ماهه

یک ساله

۲۰۰۰ افغانی

۴۰۰۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

بگو مگو facebook



Emran Rateeb

مژده به نویسندگان، ادیبان و یاران فرهنگ و

اندیشه!

زندگی در عصر کنونی، بیش از همه به واسطه‌ی دو ویژگی، از زندگی در اعصار پیشین فاصله می‌گیرد: یک: غلبه‌ی دنیای مجازی بر دیگر سویه‌های زندگی. نتیجه‌ی این امر، جلوگیری از هدر رفتن فرصت و زمان است و انجام کار و کارها، در طی حداقل زمان ممکن. این یعنی: شکست زمان. دو: لغزندگی و سیالیت زندگی. زندگی امروزی، شکل کلاف سردرگمی را به خود گرفته است که انصافن نه می‌توان برای آن مبدایی تعیین کرد و نه مقصد از قبل معلوم است. شاید هدف فقط رفتن است، دویدن؛ رسیدن (به کجا؟). حرفی نیست. منتها نباید ماند، نمی‌توان ماند.

جمع منطقی این دو مورد، می‌شود پس انداز کردن زندگی، یعنی «پارکور»: پشت سر گذاشتن موانع با حرکت روشمند و زیرکانه. یعنی آن‌چه که واقعیت عصر ماست و باید آگاهانه به سراغ آن رفت.

پارکور نمادی است از تلاش و تقلا‌ی انسان در هر زمانی، به‌خاطر رهایی خودش از قید ماندن در روزمرگی و صغارت فکر و اندیشه. تقلا‌ی متفاوت، گام برداشتن به یاری اندیشه. شاعر و نویسنده‌ی خوب و پرتلاش ما، زینت نور عزیز، با ایجاد سایت «پارکور ادبی» زمینه‌ی این تقلا را برای ما فراهم کرده است. پارکور ادبی، زینت روایی ماست. نمی‌توان موانع را عبور کرد، مگر این‌که با روایت آن‌ها، جان خود را از آن باز سنگین، سبک نمود. از صاحبان قلم و تفکر و یاران متن و اندیشه می‌خواهم در معرفی سایت «پارکور ادبی» سهم بگیرند، برای سایت خود بنویسند و بخوانند. این اقدام بنیادی برای جامعه‌ی فرهنگی-ادبی ما و به‌خصوص برای زینت نور گرامی، فرخنده باد. آدرس سایت: <http://parkour.negaah.ca>

## بازداشت ۹ روزنامه‌نگار روزنامه‌ی جمهوری در ترکیه

استفاده از تجهیزات نظامی از جمله تانک و جنگنده در صدد انجام کودتایی علیه دولت برآمدند.

از زمان وقوع این کودتای نافرجام، حدود ۱۱۰ هزار نفر از پست‌ها و یا مشاغلشان اخراج یا از کار معطل شدند. حدود ۳۷ هزار نفر هم بازداشت شدند.

هم روزنامه‌نگاران روزنامه‌ی جمهوری و هم سیاستمداران حزب دموکراتیک خلق‌ها تا زمان محاکمه در بازداشت خواهند بود. هنوز تاریخ محاکمه این افراد مشخص نشده است.

علاوه بر این، ۹ مقام دیگر این حزب که از حمایت کرده‌ها برخوردار هستند، از جمله مقامات محلی ولایت آدانا در جنوب شرق ترکیه دیروز بازداشت شدند.

روزنامه‌ی جمهوری از معدود روزنامه‌های منتقد سیاست‌های آقای اردوغان در ترکیه است. روزنامه‌نگاران این روزنامه متهم به ارتباط با فتح‌الله گولن، شخصیت مذهبی هستند که به تلاش برای انجام کودتای نافرجام ماه جولای امسال در این کشور متهم است.

شامگاه ۱۵ جولای امسال، گروهی سرباز با

اطلاعات روز: گزارش‌ها از ترکیه حاکی است که دادگاهی در استانبول ۹ روزنامه‌نگار روزنامه‌ی جمهوری را بازداشت کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، سردبیر، یکی از کاریکاتورست‌های سرشناس و یک ستون‌نویس مخالف دولت در میان بازداشت‌شدگان هستند.

بازداشت این افراد تازه‌ترین مورد از مجموع بازداشت‌هایی است که علیه منتقدان رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد.

روز جمعه ۹ سیاستمدار از جمله دو تن از رهبران حزب دموکراتیک خلق‌ها دستگیر شدند.

## ده‌ها هزار نفر خواهان استعفای رئیس‌جمهور کره‌ی جنوبی شدند

صمیمی‌اش بوده قطع خواهد کرد. خانم چوی متهم شده که به پشتوانه‌ی دوستی با رئیس‌جمهور کره‌ی جنوبی میلیون‌ها دلار از شرکت‌ها کمک مالی دریافت کرده است. بیشتر روسای جمهور کره‌ی جنوبی با رسوایی‌های فساد مواجه بوده‌اند. یکی از آن‌ها خودکشی کرد و دو نفر دیگر زندانی شدند. خانم پارک گفته است که با دستگاه قضایی در مورد تحقیقات همکاری خواهد کرد. هنوز هیچ اتهامی متوجه او نشده است.

آستانه‌ی برپایی تظاهرات علیه پارک گون هه، رئیس‌جمهور این کشور تشدید شده بود. تازه‌ترین تظاهرات مخالفان علیه خانم پارک به دنبال مطرح شدن اتهام‌هایی علیه رئیس‌جمهور کره‌ی جنوبی مبنی بر سوءاستفاده یکی از دوستان نزدیکش از فرصت و امکانات دولتی برگزار شد. خانم پارک روز جمعه در یک نطق تلویزیونی از این که دوست نزدیکش از امکانات دولتی استفاده کرده، پوزش خواست. رئیس‌جمهور کره‌ی جنوبی گفت ارتباطش را با چوی سون شیل که برای ۴۰ سال دوست

اطلاعات روز: ده‌ها هزار نفر در سئول، پایتخت کره‌ی جنوبی علیه پارک گون هه، رئیس‌جمهور این کشور تظاهرات کرده و خواهان کناره‌گیری او شده‌اند.

این یکی از بزرگ‌ترین تظاهرات این کشور در سال‌های اخیر بود.

به نقل از بی‌بی‌سی، تظاهرکنندگان از افشای‌های اخیر درباره‌ی نفوذ دوست صمیمی رئیس‌جمهور در تصمیم‌گیری‌های دولتی خشمگین هستند.

تدابیر امنیتی در سئول، پایتخت کره‌ی جنوبی در

## نیروهای عراقی وارد حمام‌العلیل در شرق موصل شدند

پیکارجویان داعش آزاد شد. همزمان با نزدیکتر شدن نیروهای عراقی به سمت مناطق مرکزی موصل که محل اصلی استقرار پیکارجویان داعش است بر تعداد خانواده‌هایی که برای نجات جان خود از این مناطق می‌گریزند، افزوده می‌شود. بیش از سه هزار نیروی عراقی با پشتیبانی حملات هوایی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در عملیات آزادسازی موصل مشارکت دارند.

شهر تلعفر که هفته‌ی گذشته آزاد شدف رفته باشند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد همچنین می‌گوید، احتمال می‌رود که ۱۵۰ خانواده دیگر نیز از این شهر به مرکز موصل رفته باشند. با شدت گرفتن درگیری‌ها در شرق موصل حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق نیز برای دیدار با نیروهای ارتش درباره‌ی ادامه‌ی حملات زمینی وارد شهر بارتلا در ۲۰ کیلومتری شرق موصل شد. این شهر طی روزهای گذشته از دست

اطلاعات روز: روز شنبه نیروهای عراقی از پیشروی خود در شهر حمام‌العلیل در ۱۵ کیلومتری جنوب موصل خبر داد.

تصاویر منتشر شده در تلویزیون رسمی عراق نیروهای این کشور با موتورهای نظامی را نشان می‌دهد که به مرکز شهر رسیده‌اند و در حال نبرد با پیکارجویان داعش هستند.

به نقل از یورو نیوز، تخمین زده می‌شود که حدود یک هزار و ۶۰۰ باشند ساکن این شهر ناچار به ترک خانه‌های خود شده و به سمت

### دستگیر روشنیالی



پوینتنه دا نه دی چی جگره خه شی دی. پوینتنه دادی چی ولی جگره دی؟

دلته جگره د مفهوم له حالته راوتلی او په یوه ورځنی واقعیت بدله شوي ده. دا یوه اوږده، پیچلې او څوارځیزه پروسه ده او پوینتنه دا هم دی چی د جگرې محتوا او هدفونه خه دي، چی تر اوسه تر لاسه شوي نه دی؟

ولی څپړونکو، سیاست کونکو، کارشناسانو ... و نه شوای کولای ددی پرابلم په هکله یوه سمه او خپلواکه پوهه ایجاد کړي؟ رښتیا چیري دي هغه پوهان، سیاست پوهان، کارشناسان... چی موږ ته د جگرې د واقعیت د محتوا او مضمون په هکله یو څه ووایي، چیری دی هغه څپړونکي او سیاست کونکي چی د سولې او ثبات په لور د ټولني لارښوونه وکړي او چیري دي هغه واکمن چی د سیاسي استعداد او سیاسي شعور تر څنگ د لویو پریکړو د کولو او د سیاسي ریسک د منلو سیاسي میرانه هم لري؟

د جگرې د واقعیت د نه پېرندني په کار کي ستونزه د خپلواکې څپړني او خپلواکې پوهې نیمگړتیا ده. واکمن او ورسره سیاست کونکي لدې پرابلم سره د واک او گټو په بنیاد چلند کوي او حل یې هم په همدې دو چوکاټونو کي غواړي.

یو شمیر دا پرابلم ساده کوي او د علتونو په ځای د جگرې د تاثیراتو او پایلو په بنیاد قضاوت کوي او دا په طبعي توگه د جگرې د واقعیت د پېرندني اوڅپړني له کار سره مرسته نه کوي.

### Lina Rozbih-Haidari



من هر چه تجربه‌ام در جامعه‌ی افغان و برخورد با افغان‌ها بیشتر می‌شود، قاطعیت من روی عقیده بر این موضوع بیشتر می‌شود که هر آنچه بر مردم افغانستان و کشور افغانستان رفته است، صدفیصد گناه ماست... ما متأسفانه یک ملت مشغوش، درگیر آجندای شخصی و با عقده‌های متفاوت هستیم که هدایت‌نشدنی‌ایم... حاضریم یک ملت و یک سیستم سقوط کند، ولی ما دستاورد شخصی خود را به‌دست بیاوریم! جای تعجب نیست که اگر در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی ما، حتا همان تحصیل‌کرده و فهمیده‌ی ما یک بی‌سواد را بر یک انسان آگاه و فهمیده ترجیح می‌دهد چون آن بی‌سواد به‌نفع آجندای شخصی اوست و مهم نیست اگر به‌خاطر روی کار آوردن یک بی‌سواد، یک ارگان و دفتر سقوط کند، یک ولسوالی سقوط کند و یا مردم کشته شوند، یک رهبر و بزرگ ما نیز بر مبنای آجندای شخصی خود حتا حاضر است با زندگی و آینده‌ی یک ملت و کشور بازی کند ولی از یک هدف کوچک آجندای شخصی خود نگذرد!

خلاصه در جامعه‌ی ما باسواد و بی‌سواد ندارد... باسواد ما به سطح یک بی‌سواد کشورهای دیگر تصمیم می‌گیرد و بی‌سواد ما از برکت همان باسوادهایی که تحصیل و فهم نتوانسته از آن‌ها انسان‌های بهتری بسازد، زمام تمام امور را به دست می‌گیرند... و نتیجه‌ی این سرکس مسخره می‌شود که نامش را افغانستان گذاشتند!

نه کار به اهل کار سپرده می‌شود، نه دستاورد و انکشافی صورت می‌گیرد، نه مشکلات مردم حل می‌شود، نه دشمن شکست داده می‌شود... یک سیستم مختل، مهم، ناکام و مسخره با آدم‌هایی که ظرفیت به‌کنار، منطقی صحبت کردن را ندارند. و با دیدن هر مقام این‌گونه، فرد متعجب با خود فکر می‌کند که به کدام منطق این‌گونه آدم‌ها صلاحیت کاری داده شده و انتصاب و انتخاب می‌شوند!

## رئیس‌جمهور اندونزی:

### تحریک معترضان اسلام‌گرا بازی سیاسی بود

دیگر زخمی شدند. بیش از ده گروه محافظه‌کار اسلام‌گرا خواستار استعفای باسوکی جاهاجا پورناما، فرماندار چنینی تبار و مسیحی جااکارتا شدند. آن‌ها پورناما، مشهور به آهوک را به توهین به قرآن متهم کرده‌اند. در تظاهرات روز جمعه پارچه‌نوشته‌یی از یک پل هوایی آویزان شده‌بود که روی آن با حروف قرمز این جمله به چشم می‌خورد: «آهوک را این‌جا دار بزیند» پورناما نخستین فرماندار مسیحی جااکارتا، پایتخت پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان، در ۵۰ سال گذشته است و به اقلیت چنینی‌تبارها تعلق دارد. او سال ۲۰۱۴ به فرمانداری جااکارتا رسید و نقش مهمی در پیروزی ویدودو در انتخابات ریاست‌جمهوری داشت.

عشاء متفرق شوند. او خشونت‌های جمعه‌شب در جااکارتا را به شدت محکوم کرد. جمعه‌شب جمعیت زیادی از مسلمانان اندونزی در اعتراض به باسوکی جاهاجا پورناما، فرماندار جااکارتا، دست به تظاهرات زدند. پولیس اندونزی جمعیت این معترضان را ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده است. این اعتراضات با فرار سیدن شب به خشونت کشیده شد. پولیس برای متفرق کردن معترضان خشمگین از گاز اشک‌آور و موترهای آب‌پاش استفاده کرد.

علاوه بر درگیری پولیس و معترضان، صدها تن نیز تا ساعت چهار بامداد شنبه در برابر پارلمان اردو زدند و خواستار محاکمه پورناما به دلیل توهین به مقدسات شدند.

به گزارش پولیس اندونزی، در درگیری‌های جمعه‌شب و بامداد شنبه یک تن کشته و ۱۲ نفر

اطلاعات روز: جوکو ویدودو، رئیس‌جمهور اندونزی با سیاسی‌خواندن تظاهرات جااکارتا علیه توهین به مقدسات، معترضان اسلام‌گرا را به آرامش فراخواند.

ویدودو، رئیس‌جمهور مسلمان اندونزی در کنفرانسی خبری در نخستین ساعات شنبه پنجم نوامبر خواستار حفظ آرامش در پایتخت این کشور شد. به گزارش روزنامه‌ی «گاردین»، او برخی سیاستمداران را متهم کرد که به‌دلیل منافع سیاسی و با تحریک معترضان اسلام‌گرا، تظاهرات بزرگ در جااکارتا را جمعه‌شب، چهارم نوامبر به خشونت کشاندند.

به نقل از رادیو زمانه، ویدودو گفته است «بازیگران سیاسی که در حال سوءاستفاده از وضعیت هستند» با تحریک جمعیت این اتفاقات را رقم زده‌اند. به گفته‌ی او، تظاهرکنندگان قرار بود پس از نماز

## حمایت بیانسه از هیلاری کلینتون؛

### ترامپ: به حمایت ستارگان نیاز ندارم

کنسرت‌های رایگان ستارگان موسیقی برای جلب بیشتر آراء بوده است؛ از جان بونجوی گرفته تا جنیفر لوزپ در این کنسرت‌ها برای او تبلیغ کرده‌اند.

به نوشته‌ی آسوشیتدپرس، دونالد ترامپ که فعالیت‌های انتخاباتی‌اش شکافی در بدنه حزب جمهوری‌خواه ایجاد کرده‌است، تاکنون در تبلیغات انتخاباتی خود از ستارگان سینما و موسیقی، و حتی رهبران اصلی حزب جمهوری‌خواه، استفاده نکرده است.

داشت و با رفتن به روی صحنه و پس از تمجید از این دو خواننده‌ی آمریکایی، از شرکت کنندگان خواست در انتخابات روز سه‌شنبه به او رای دهند. ساعاتی بعد، دونالد ترامپ نامزد جمهوری‌خواهان که تمرکز کمپین خود را در آخرین روزهای مبارزات انتخاباتی متوجه ایالت فلوریدا کرده است، در واکنش گفته است به شرکت ستارگان سینما و موسیقی در برنامه‌های انتخابی خود و حمایت آن‌ها نیازی ندارد.

ستاد انتخاباتی هیلاری کلینتون چندین بار میزبان

اطلاعات روز: بیانسه، خواننده‌ی مطرح موسیقی پاپ و همسر او جی‌زی که او نیز از خوانندگان شناخته‌شده‌ی موسیقی رپ است، از نامزد حزب دیمکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا حمایت کرده‌اند؛ حمایتی که واکنش نامزد حزب جمهوری‌خواه را در پی داشت و گفته به ستارگان نیازی ندارد.

به گزارش آسوشیتدپرس، هیلاری کلینتون نیز در کنسرت موسیقی رایگان بیانسه و جی‌زی که جمعه‌شب در ایالت اوهایو برگزار شد حضور

## گواردیولا: درگیری مسی و آرتتا غیر ممکن است

پپ گواردیولا، سرمربی اسپانیایی منچستر سیتی، به دفاع از دستیارش پرداخت و تاکید کرد او نقشی در درگیری با مسی نداشته است.

بعد از جدال سه شنبه شب گذشته سبیتین ها با بارسا که به برتری ۳-۱ منچستر سیتی منتج شد، اخبار زیادی در مورد درگیری میکلا آرتتا، دستیار گواردیولا، با لیونل مسی در رختکن منتشر شد که گواردیولا تاکید می کند سر زدن چنین رفتاری از دستیارش غیر ممکن است. گواردیولا گفت: «من در این رابطه با آرتتا صحبت کردم و تاکید می کنم امکان بروز چنین رفتاری از او وجود ندارد زیرا او همیشه بارسلونا و لیونل مسی را مورد تحسین قرار داده است. همچنین با توجه به شناختی که من از آرتتا دارم، او یکی از بهترین انسان هایی است که در تمام زندگی دیده ام و جر و بحث کردن او با یک انسان خوب دیگر مثل مسی غیر ممکن است. در ابتدا این شایعات در مورد فرناندینیو ایجاد شد و بعد از آن به سمت آرتتا سوق پیدا کرد، باید دید فردا نوبت چه کسی است.»

## فیگو: دو فرزندم

### هوادار بارسلونا هستند!

لویس فیگو هنوز در نزد هواداران بارسا شخصیتی منفور است با این حال دو دختر از سه دختر او هوادار بارسلونا هستند.

فیگو سال ۲۰۰۰ بارسلونا را به مقصد رئال ترک کرد تا دنیای فوتبال را شوکه کند.

او در مصاحبه با کادنا کوپه و در همین رابطه گفت: «پس از گذشت ۱۶ سال، معتقدم این تصمیم درستی در دوران فوتبال من بود. انتقالی که تاریخ ساز شد. هنوز هم برای تماشای بازی های رئال به برنابئو می روم؛ اما طوری که کسی نفهمد. اگر نیاز باشد که برای کاری به بارسلونا بروم، بدون هیچ مشکلی این کار را انجام خواهم داد. تاکنون من و خانواده ام برای رفتن به بارسلونا دچار مشکل نشده ایم ولی در زندگی حرفه ای، من کاری برای انجام دادن در آنجا ندارم. دو دختر اول و دوم من هوادار بارسلونا هستند و سومی طرفدار رئال است. اولی در بارسلون به دنیا آمده و شیفته آنجاست ولی دومی فکر می کنم از شدت علاقه او به بارسلونا کم شده باشد.»

مثلث BBC و MSN: «هر دو فوق العاده هستند. من هم اگر مربی رئال بودم، رونالدو، بیل و بنزما را به صورت ثابت به میدان می فرستادم. مسی، سوارز و نیمار نیز فوق العاده هستند و از بازی آن ها لذت می برم.»

کریستیانو رونالدو: «او احتمالا بهترین بازیکن تاریخ فوتبال پرتغال است. اوزه بیو اولین بازیکن مطرح ما بود ولی رونالدو از لحاظ آماری، کیفی و خیلی چیزهای دیگر، شماره یک تاریخ پرتغال است.»

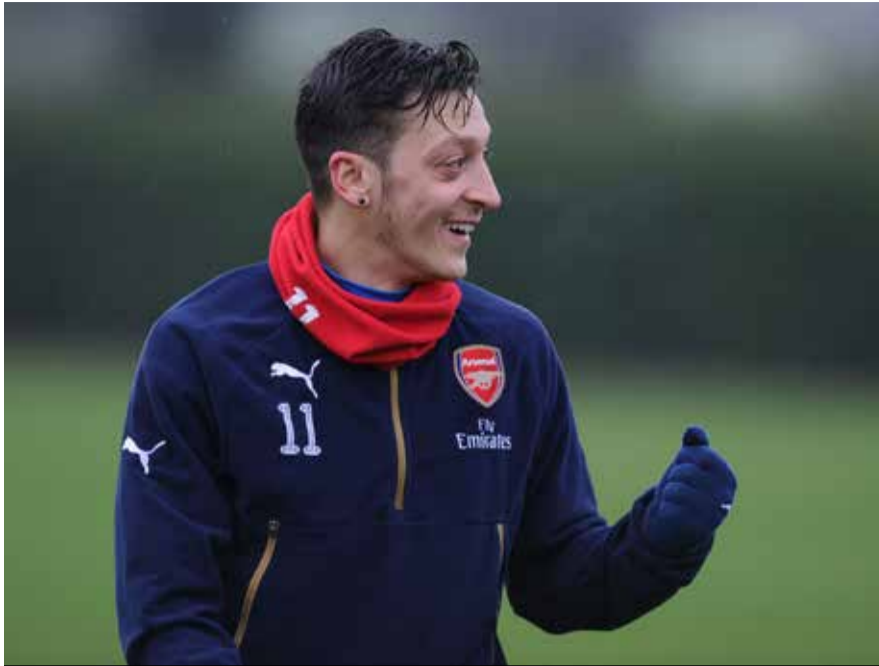
مورینیو: «او مربی من در اسپورتینگ، بارسلونا و اینتر بود و ارتباط گرمی با وی دارم. همیشه او را تحسین کرده ام.» نیمار: «تماشای بازی او لذت بخش است. او سبک خاص خود را دارد و هر کسی که خوشش نمی آید، مشکل خودش است.»

انریکه و گواردیولا: «با هر دو هم تیمی بودم. با انریکه هنوز رابطه خوبی دارم. دوران خوبی با هم در بارسا داشتیم. او ذاتا یک برنده است و با ورودش، بارسلونا را متحول کرد. نتایج او با بارسا فوق العاده بوده اند. با انریکه هر از چند گاهی حرف می زنیم، با گواردیولا اما سال هاست که دیگر ارتباطی ندارم. پپ، ادامه دهنده راه کرویف بود و من شیوه مربی گری او را بسیار می پسندم.»

## فلینی: مورینیو به زمان نیاز دارد

مروانه فلینی، هافبک منچستر یونایتد مدعی شد که ژوزه مورینیو، سرمربی تیمش به زمان نیاز دارد تا بتواند تیم را به روزهای خوبش بازگرداند.

شاگردان مورینیو تنها در ۲ بازی از ۷ بازی اخیر خود به پیروزی رسیده اند و در لیگ برتر نیز در رده هفتم قرار دارند. با وجود افزایش فشارها بر آقای خاص، فلینی معتقد است که بازیکنان حامی سرمربی پرتگالی هستند. او گفت: «همه بازیکنان به او و فلسفه اش اعتماد دارند و از او حمایت می کنند. ما همه به او اعتماد داریم. او اینجاست که پیروز شود. مورینیو یک مربی با انگیزه بسیار است که به دنبال پیروزی است و به آن نیاز دارد. ولی برای ساخت یک تیم به زمان نیاز هست. فکر می کنم مربی مناسبی روی نیمکت ما نشسته و باید به او اطمینان بدهیم که زمان کافی خواهد داشت. هواداران پیروزی می خواهند، آن ها فوتبال خوب می خواهند ولی فکر می کنم پیروزی ها به زمانش خواهد رسید و ما فاصله زیادی با آن روز نخواهیم داشت.»



## ونگر: اوزیل شباهت زیادی به برگکمپ دارد

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال مدعی شد که مسوت اوزیل باید جا پای دنیس برگکمپ بگذارد.

اوزیل سال ۲۰۱۳ از رئال مادرید به آرسنال پیوست و به حدی در این تیم درخشید که به ستاره اصلی آن ها تبدیل شد. حال درخشش او باعث شده تا با دنیس برگکمپ، ستاره سابق توپچی ها مقایسه شود و ونگر نیز شباهت بین او و اسطوره هلندی را تایید کرد.

سرمربی فرانسوی گفت: «شباهت هایی بین او و برگکمپ وجود دارد. فکر می کنم او می تواند به

## اگر می خواستم در بارسا بمانم از آنجا نمی رفتم

هکتور بیرین، مدافع جوان و اسپانیایی آرسنال تاکید کرد که قصدی برای جدایی از این تیم و بازگشت به بارسلونا را ندارد.

این مدافع جوان در سال ۲۰۱۱ از آکادمی لاماسیا جدا شد و به آرسنال پیوست و حالا اخبار زیادی در مورد تمایل بارسا برای بازگشت او به گوش می رسد.

بیرین گفت: «اگر قصد داشتیم در بارسلونا بازی کنیم آنجا را ترک نمی کردم و در این تیم می ماندیم. از بودن در اینجا بسیار خوشحالم و زمانی که آرسنال تمایل خود را برای پیوستن من به این تیم نشان داد،

## گواردیولا: از عذر خواهی یحیی توره خوشحالم

پپ گواردیولا، سرمربی اسپانیایی منچستر سیتی، اذعان داشت که خبر عذر خواهی یحیی توره خبر بسیار خوبی برای تیمش است.

بعد از مصاحبه تند مدیر برنامه توره در ابتدای فصل، گواردیولا تاکید کرد تا زمان عذر خواهی رسمی توره از او در ترکیب استفاده نمی کند و توره بابت آن اتفاق در صفحه فیسبوک خود عذر خواهی کرد.

گواردیولا گفت: «من با یحیی توره صحبت کردم. البته متن مکالمه ما قطعا شخصی بوده؛ اما در کل

## خامس: رابطه من و زیدان محترمانه است

خامس رودریگس، ستاره کلمبیایی رئال مادرید، تایید کرد که می خواهد فرصت بازی بیشتری داشته باشد و تاکید کرد که رابطه اش با زین الدین زیدان احترام آمیز است.

خامس که در تابستان ۲۰۱۴ با انتقالی ۸۰ میلیون یورویی از موناکو به رئال پیوست، علی رغم شروع خوب در سانتیاگو برنابئو، اندک اندک جایگاهش در ترکیب اصلی را از دست داد.

شایعاتی در مورد رابطه نه چندان خوب او با زیدان به گوش می رسد و با توجه به این که او در این فصل تنها دو بار در لالیگا در ترکیب اصلی رئال قرار گرفته، زمزمه جدایی او از این تیم جدی تر شده اما خامس با رد شایعات، تنها تاکید کرد که دوست دارد بیشتر فرصت بازی پیدا کند.

او به خبرنگاران گفت: «می خواهم بیشتر بازی کنم اما یک نفر است که در مورد همه چیز تصمیم می گیرد و اوست که می گوید چه کسی بازی

## توخل: موضوع محرومیت او بامیانگ حل شده است

توماس توخل، سرمربی دورتمند مدعی شد که با وجود محرومیتی که برای پیر امریک او بامیانگ در دیدار مقابل اسپورتینگ در نظر گرفته بود ولی رابطه ی حرفه ای بر پایه اعتماد را با او ادامه خواهد داد.

مهاجم اهل گابن، بازی روز چهارشنبه تیمش را به علت محرومیتی که باشگاه برایش در نظر گرفته بود از روی سکوها مشاهده کرد. گفته می شود که علت این محرومیت، حضور او بامیانگ در یک مهمانی در ایتالیا بدون اجازه باشگاه بوده است. حال توخل مدعی شد که رابطه اش با او بامیانگ دچار مشکل نخواهد شد.

او گفت: «رابطه بین من و او بامیانگ و تیم، همچنان بر پایه اعتماد دو طرفه خواهد بود. چنین محرومیتی مطمئنا تاثیری خواهد داشت و تغییری در تیم ایجاد خواهد کرد. ولی من مطمئنم که او بامیانگ می تواند این موضوع را از ذهنش خارج کند. این داستان پس از سوت پایان بازی اسپورتینگ تمام شده است.»

توخل درباره مصاف تیمش با تیم قهر جدولی هامبورگ گفت: «من انتظار تیمی به شدت احساسی و مستحکم را از هامبورگ دارم. باید به خاطر داشته باشیم که کیفیت انفرادی بازیکنان می تواند نتیجه بازی را تعیین کند.»

## کلوپ: احتمال خرید بازیکن

### در جنوری وجود دارد

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول مدعی شد که پس از مصدومیت شدید دنی اینگس، این احتمال وجود دارد که در جنوری مهاجمی جذب لیورپول شود.

اینگس به علت مصدومیت زیر تیغ جراحی رفت و تا پایان فصل قادر به همراهی تیمش نخواهد بود. همچنین یورگن کلوپ در جنوری، سادیو مانه را نیز به علت حضور در جام ملت های آفریقا در اختیار نخواهد داشت. بدین ترتیب او مدعی شد که این احتمال وجود دارد در جنوری خریدی انجام دهند.

او گفت: «ما نقل و انتقالات را زیر نظر داریم و باید خودمان را برای شرایط مختلف آماده کنیم که یکی از آن ها مصدومیت است. ما از جام ملت های آفریقا اطلاع داشتیم بنابراین قرار نیست تاثیری در عملکرد ما بگذارد ولی این احتمال وجود دارد که در نقل و انتقالات فعال باشیم.»

کلوپ ادامه داد: «موضوع تعداد مهاجمین نیست. فکر می کنم سه مهاجم کافی باشد ولی وقتی سادیو به جام ملت ها برود، تیم ما بال ندارد. در تیم ما بازیکنان زیادی در این پست بازی نمی کنند. روبرتو فریرمو می تواند در این پست بازی کند که بدین ترتیب ما دو مهاجم خواهیم داشت. ولی تا جنوری فاصله زیادی داریم و یک ماه شلوغ پیش روی ماست. اگر به نیمه نهایی جام اتحادیه برویم، بیشترین تعداد بازی در سال را در این ماه خواهیم داشت بنابراین باید برایش آماده باشیم.»

## یونایتد به مارسیال

### بی احترامی کرده است

مدیر برنامه های آنتونی مارسیال مدعی شد که گرفتن شماره ۹ باشگاه از مهاجم فرانسوی باعث ناراحتی او شده است. با حضور زلاتان در یونایتد، شماره ۹ باشگاه از مارسیال گرفته شد و در اختیار مهاجم سوئدی قرار گرفت. حال مدیر برنامه های ستاره یونایتد مدعی شد که مهاجم فرانسوی از این اتفاق ناراحت است.

او گفت: «من نمی خواهم در این رابطه دروغ بگویم. گرفتن شماره ۹ باعث ناراحتی او شد. در ابتدا از این اتفاق تعجب کرده بود و چند روزی ناراحت بود. ولی مارسیال یک حرفه ای است و می داند که برای پس گرفتن آن باید بجنگد. شخصا این تصمیم را نپذیرفتم و به نظرم توهین آمیز بود. مسئولین یونایتد را نیز در جریان ناراحتی مان قرار دادم. هیچ کس چنین اتفاقی را دوست ندارد. ما از این ماجرا عبور کردیم ولی هنوز آن را فراموش نکرده ایم.»

مارسیال هنوز نتوانسته جایگاه ثابتی تحت هدایت مورینیو پیدا کند و گفته می شود که از شرایطش تحت هدایت مورینیو ناراحت است. لامبولی در این رابطه گفت: «این که رابطه مارسیال و مورینیو خوب نیست حقیقت ندارد. آن ها رابطه ی حرفه ای با هم دارند. مطمئنم مورینیو می خواهد بهترین بازی را از مارسیال بگیرد، درست مثل کاری که لویس فان خال کرد. آنتونی در یونایتد خوشحال است. ما سعی داریم از این وضعیت نامساعد خارج شویم. دیگر همیشه به او بازی نمی رسد. مردم او را می شناسند و می دانند که دوست دارد لیخنند بزند. او به باشگاه و هم تیمی هایش وفادار است. تنها یک چیز می خواهد و آن لذت بردن از حضور در یونایتد و جام بردن است. باید بگذارید او کارش را انجام دهد.»





## ام تی ان رابطه، نامحدود و رایگان صحبت نمایید ام تی ان افراد و جامعه را با هم وصل می نماید

با پیشکش جدید ام تی ان رابطه، هر روز از تماس های نامحدود و رایگان از ام تی ان به ام تی ان فقط در بدل ۲۰ افغانی مستفید شده و در هر جایکه هستید با دوستان نزدیک خویش در تماس باشید. برای اشتراک #۸۰۰\*۱\* را دایل نمایید.

این پیشکش در ولایات ذیل قابل استفاده میباشد:

ارزگان، بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، پنجشیر، پکتیکا، تخار، جوزجان، دایکندی، زابل، سرپل، غزنی، غور، فراه، فاریاب، کاپیسا، کنر، کندز، کندهار، لغمان، لوگر، نیمروز، وردگ، هرات و هلمند.



با شما در همه جا

www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | @MTNAF  
Linked | MTN Afghanistan | MTNAF

برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید.  
ثبت و رجستر سیمکارت حتمی میباشد.

**داریانا افغان هوایی شرکت**  
ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana  
+93(0)777071333  
+93(0)700071333  
+93(0)790071333  
+93(0)786071333  
www.flyariana.com  
info@flyariana.com

ariana.afghan.ariana  
twitter.com/flyARIANAafghan  
youtube.com/user/flyariana

داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هموطنان عزیزان تخفیف های ویژه را در قیمت تکت قرار ذیل ارائه نموده است:

تخفیف برای دیپلمات های محترم	30%
تخفیف برای کارمندان محترم دولت	20%
تخفیف برای محصلین گرامی	25%
تخفیف برای ورزش کاران پر افتخار تربیت بدنی و المپیک	20%
تخفیف برای افراد دارای معلولیت	20%

## آیا موج دوم بی ثباتی های... ادامه از صفحه ۳

بی ثباتی های فراگیر و جنگ داخلی دیگر بکشاند. تمام شرایط برای وقوع یک جنگ داخلی آماده است و اگر نیروهای سیاسی و به ویژه حکومت مسئولانه با تحولات و مطالبات و خواسته های مردم و گروه های سیاسی برخورد نکند، این کابوس وحشتناک تکرار خواهد شد. نوع مواجهه حکومت با تحولات جاری برای ثبات و بی ثباتی کشور بسیار حیاتی است. حکومت تاکنون با تحولات جدید در کشور به گونه ای درست و منطقی برخورد نکرده است. در حالی که همه مسئولین به خصوص شخص رئیس جمهور از ضعف حاکمیت و افول اقتدار حکومت در جامعه آگاهند، با این هم در تلاش برای بیرون راندن نیروهای سیاسی همسو با دولت و ایجاد نارضایتی در پایگاه های مردمی حکومت می باشد. اقدامات دو ساله حکومت وحدت ملی، عملاً بسیاری از نیروهای همسو با دولت را ناراض کرده است و شکاف آن با مردم نیز رو به افزایش است. تلاش برای انحصار قدرت، عدم رعایت قوانین، نادیده گرفتن توافق نامه های سیاسی، همه بیانگر برخورد غیرمسئولانه دولت در قبال تحولات جاری در کشور می باشد. شرایط موجود به گونه ای نیست که به رئیس جمهور و یا هر فرد دیگر اجازه دهد که چنین تکرار رفته رفتار کند، بلکه با توجه به مجموعه شرایط و تحولات جاری در کشور، فرصت عمل برای حکومت بسیار محدود است. اتفاقات یک سال گذشته مانند تظاهرات های گوناگون، نارضایتی های مقام های ارشد دولتی و طرح های نافرمانی مدنی و مقاطعه با دولت، هر کدام می توانند آن جرقه ای باشند که کشور را به سمت بحران و یا جنگ های داخلی ببرد.

در سوریه و عراق بیش از پیش قابل درک است. افزایش نارضایتی ها، شکاف میان نخبگان و گروه های سیاسی و صف آرای های جدید در داخل افغانستان، بیش از پیش فرصت مداخلات خارجی را فراهم می آورد. ضعف حاکمیت دولت به شکل بالقوه این فرصت را به وجود آورده است تا گروه های ناراضی متعددی که در این اواخر در دولت شکل گرفته اند، کانال های ارتباطی خود با کشورهای بیرونی را تقویت کنند و با جذب حمایت های خارجی اقدام کنند. شرایط حاکم بر نظم بین الملل و اوضاع نابه سامان داخلی، بیش از هر زمان دیگر مستعد چنین اتفاقی است و این کار برای افغانستان خطرناک است.

### مواجهه دولت و چشم انداز آینده

بسیاری از جنگ ها و انقلاب ها با یک جرقه کوچک آغاز شده اند. انقلاب های عربی با آتش زدن یک جوان دست فروش آغاز شد و موج آن کل دنیای عرب را در نوردید. جنگ سوریه هم از اعتراض یک دانش آموز مکتب آغاز شد و به دنبال خود تظاهرات های پراکنده ای را به راه انداخت. در آغاز شمار معترضانی که به خیابان ها ریخته بودند بسیار اندک و چه بسا مطالبات آنان ناچیز و پیش پا افتاده بود. اما واکنش دولت بشار اسد آن را به یک اعتراض فراگیر و یک بحران تمام عیار مبدل کرد و سرانجام سوریه را درگیر جنگ بی پایان داخلی، تروریزم و داعش کرد. چه بسا جنگ های داخلی دیگری که با جرقه های بسیار کوچکی حادث شدند و اشتباهات حاکمان، یک کشور را به بربادی کشانده است. در افغانستان نیز یک جرقه کوچک ممکن است کشور را یک بار دیگر به سوی

کشورها به برقراری نظم و ثبات کمک کرده اند، در حالی که در برخی دیگر مداخلات خارجی به تداوم بی ثباتی ها و ناآرامی ها کمک کرده است. این تاثیر دوسویه تحت تاثیر نظم حاکم بر نظام بین الملل و چگونگی حمایت از گروه های سیاسی در کشورها بوده است. کشورهایی که تحت تاثیر یکی از قطب های نظام بین الملل بوده است، از ثبات بیشتر برخوردار بوده اند، برعکس کشورهایی که درگیر رقابت میان قدرت های جهانی و منطقه ای بوده اند، بی ثباتی های بیشتری را تجربه کرده اند. چگونگی حمایت های خارجی از گروه های فعال سیاسی در یک کشور نیز نقش مهمی در ثبات و بی ثباتی کشورها داشته اند. در صورتی که اکثر کمک های خارجی به گروه حاکم و بر سر اقتدار صورت گرفته است، ثبات سیاسی بیشتر بوده است، برعکس انجام کمک های خارجی به گروه های متعدد امکان بی ثباتی را بیشتر کرده است.

مداخلات خارجی در افغانستان متأسفانه به بی ثباتی های سیاسی در این کشور کمک کرده است. موقعیت حائل افغانستان بین دو بلوک شرق و غرب این کشور را به شدت آسیب پذیر کرده است. گرایش های متضاد و نوسانات در سیاست خارجی افغانستان همواره به بی ثباتی در این کشور دامن زده است. حمایت هیچ یک از کشورها از افغانستان منجر به ثبات سیاسی در این کشور نگردیده است. رقابت شدید میان کشورها و جنگ های نیابتی فرساینده، افغانستان را به میدان نبرد دائمی مبدل کرده است.

نگرانی از مداخلات بیشتر خارجی در افغانستان رو به افزایش است. این مساله با توجه به تغییرات جدی در نظم بین الملل و تحولات اخیر در خاورمیانه به خصوص